

عشایران

در وادی فراموشی

عبدالله رئیس اردکانی



الحمد لله رب العالمين

عشایران
دروادی فراموشی

Nomads of Iran

in the realm of forgetfulness

عبدالله رئیسی اردکانی

Abdollah Raeisi Ardekani

سرشناسه : رئیس اردکانی، عبدالله، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآورنده : عشایر ایران در وادی فراموشی =
Nomads of Iran in the realm of forgetfulness
مؤلف، عکاس عبدالله رئیس اردکانی؛ مترجم انگلیسی زینب نازی.
مشخصات نشر : تهران : فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۲۴۰ص: مصور(رنگی)
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۱۶-۳۹-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : فارسی - انگلیسی
موضوع : ایلات و عشایر - ایران
موضوع : ایلات و عشایر - ایران - تاریخ
شناسه افزوده : نازی، زینب، ۱۳۶۱-، مترجم
رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ع ۹/۱ DSRV
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۴
شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۴۱۱۶۹

منابع :

- ۱-مقدمه ای بر شناخت ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، ایرج افشاری سیستانی
- ۲-سبیه چادرها، دکتر منوچهر کیانی
- ۳-عشایر مرکزی ایران، دکتر جواد صفی نژاد
- ۴-ایلها و طوایف عشایری خراسان، سید علی میرنیا

۷	یادداشتی از عکاس
۸	مقدمه
۱۲	عشایر قشقایی
۴۸	عشایر بختیاری
۱۰۲	عشایر شاهسون
۱۱۸	عشایر کرد خراسان
۱۳۴	عشایر ترکمن
۱۴۲	عشایر سنگسر
۱۵۲	عشایر تالش
۱۶۶	عشایر بلوچ
۱۸۲	نگاهی کوتاه به زندگی عشایر ایران

Photographer's Note	7
Introduction	8
Qashqai Tribe	12
Bakhtiari Tribe	48
Shāhsavans Tribe	102
Kurdish Tribe of Khorāsān	118
Turkmen Tribe	134
Sangsar Tribe	142
Talysh Tribe	152
Balooch Tribe	166
Nomadic Lifestyle at a glance	182

عشایر در وادی فراموشی

عکس و متن فارسی: عبدالله رئیسی اردکانی

ترجمه انگلیسی: زینب نمازی

صفحه آرایی و طرح جلد: رضا عابدی

ویرایش عکس: سامان باقری

مدیر فنی و هنری: مجید میردشتی

لیتو گرافی: فرآیند گویا

چاپ اول: ایبانه ۱۳۹۱

صحافی: سیمرغ

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۱۶-۳۹-۹

ناشر: فرهنگسرای میردشتی



تهران: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، نبش وحید نظری، مجتمع تجاری نادر، فرهنگسرای میردشتی

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۶۰-۲ فکس: ۰۲۱-۶۶۴۹۱۹۶۸

مشهد: چهار راه لشکر، بطرف میدان ده دی، پاساژ دیدنیها تلفن: ۰۵۱۱-۸۵۴۴۹۵۱ فکس: ۰۵۱۱-۸۵۱۴۷۶۱

www.fmirdashti.com www.fmirdashti.ir

Email: info@fmirdashti.com

هرگونه بهره برداری از تصاویر این کتاب منوط به اجازه کتبی از عکاس می باشد.
info@sepidtour.com



عبدالله رئیسی اردکانی متولد ۱۳۴۰ در شیراز و فارغ التحصیل رشته مهندسی کامپیوتر از دانشگاه شیراز می باشد که در سالهای گذشته چندین نمایشگاه انفرادی برگزار نموده است. به عکاسی علاقه وافری داشته و در رشته های کوهنوردی، اسکی و سوارکاری نیز فعالیت دارد.

Abdollah Raeisi Ardekani was born in Shiraz, in 1961 and has graduated in Computer Engineering from Shiraz University. In recent years he has held several solo photo exhibitions. He has passion in photography and has also activities in the fields of mountaineering, skiing and horseback riding.

تقدیم به همسر، فرشته

که بدون همراهی و همدلی او گردآوری این مجموعه میسر نبود.

To my dear wife, Fereshteh

Whom without her kind companionship & sympathy,
it was not possible to prepare this collection.



Introduction:

When you turn on the faucet to find pure running water in abundance, remember me. I have no choice but to carry the goat-skin water container (mashk) on my back for miles in search of a handful of water.

When you switch on the lights illuminating every inch of your house, remember me. I have never had a chance to press a key to escape the dark.

When you unhurriedly turn the key, gently close the door, and peacefully get into your soft bed at night, remember me. There is no key to my tent and my sleep is far from restful since I have to watch out for both 'humans' and beasts' attack all night long.

When you cover long distances in your comfortable car like a flash running over my sheep apathetically, remember me. I have been on the move since the daybreak and have not had the time to take a rest or grab a bite.

A true lover of nature, I have always watched the sun rise and set having grown up in wide open spaces:

The roof over my head is the stars.

The elixir of life for me is water from springs.

The soil, poor or rich, is my carpet.

And,

the light accompanying me through the dark of night is the moon.

Whenever you get fed up with your hectic life in the city, come to me. I will have you sit and relax on a handmade rug spread on the ground to remind you of our very origin, the earth. Inside my tent you will find nothing but simplicity and hospitality and appreciate the merits of a simple lifestyle.

It's a great pity that our access to the plains and mountains is becoming more and more limited and our path narrower and narrower. I still remember the time when we freely set up our tents across the plains and mountains and the tribes migrated together peacefully. What a beautiful and magnificent scene!

It's also a great pity that the alluring magic of the city is tempting our children to settle and is bringing an end to the old familiar migratory tribes.

Alas, how I detest stillness. Away from plains and mountains I'm no more than a dead body. In these final years of my life, I'm still struggling to traverse plains and mountains for I can't help being on the ego.

I am a NOMADIC TRIBESMAN.

مقدمه :

وآنگاه که شیر آب را باز میکنی و هر اندازه آب زلال که بخواهی در اختیار توست

مرا به یاد آر

که برای جرعه ای آب مسافتها مشک بر دوش می پیمایم!

و آن زمان که با فشار یک کلید محیط منزلت نور افشان می گردد

مرا به یاد آر

که هرگز کلیدی را نقشرده ام که از نعمات آن برخوردار باشم!

به یاد می آورم که همیشه شب سیاه بود و تاریک .

کلید درب را میچرخانی و با خیالی آسوده در بستر نرم فرو میروی،

به یاد آر خانه مرا

که هیچ دری ندارد تا کلیدی در قفل آن بچرخد و تا صبح یک چشم خواب و چشم دیگر مراقب گله در

برابر هجوم حیوان و غارت انسان!

آنگاه که کیلومترها را بر صندلی نرم اتومبیل در اندک زمانی طی میکنی و عجولانه بر گله خسته من

یورش میبری،

بدان که از نیمه های شب پیاده در راهم و در وقت ظهر هنوز چاشتی نکرده ام!

همیشه طلوع وغروب خورشید را حس کرده ام . در دامن طبیعت بزرگ شده ام و فرزند خلف اویم.

سقف من آسمان پر ستاره

آب حیاتم چشمه های زلال

خاک، فرش من

وماه، چراغ درخشان من در ظلمات .

هرگاه از زندگی پر دغدغه خویش خسته شدی پیش من آی،

گبه ای بر خاک پهن خواهم کرد که بدانی از خاکیم، درون چادر من آی که جز سادگی و محبت هیچ

نخواهی یافت که ساده زیستن را به تو خواهم آموخت.

افسوس که هر ساله دشتها و کوهها برای چرای گوسفندانم محدود تر می شود و مسیر کوچم باریک و باریکتر!

به یاد آر روزگاری تمامی دشتها و کوهها مأوای من بود و تمامی طایفه در کنار یکدیگر و کوچ

چه زیبا و باشکوه!

دریغ که زندگی به ظاهر راحت شهر، فرزندان مرا اغوا میکند و آنها را وسوسه ساکن شدن و کوچ این حرکت

زیبا و دیرینه در حال نابودی و زوال!

آه از سکون متنفرم که بی دشت و کوه مرده ای بیش نیستم. در این واپسین نفس ها میکوشم که دگر بار

دشتها و کوهها را بپیمایم که عاشق رفتنم

که سکون

مرگ من است.

آری من یک عشایرم!

Photographer's Note :

Migration is one of the most ancient human ways of life that its remaining up to now is the most attractive ways of livelihood. This particular way of life has caused that the nomads are named " the most spectacular attractions in the age of technology ".

The nomads has preserved their customs in incredible and attractive ways during centuries and years. And this originality has become an attraction for tourism. Some of the most important attractions of nomads, are like, Kind of nomad's house, their lifestyle, language, music, local foods, handicraft, dance, local clothing with special wedding ceremony and local celebrations.

Every year, the nomads who spread in the most provinces of Iran, are reduced for some reasons. During 15 years of my photographic work of Iranian nomads, every year I watched many changes in their style of migration and reduction in their population.

Here, I thank all friendly nomads who have welcomed me in their tents.

Abdollah Raeisi Ardekani

یادداشتی از عکاس :

کوچ نشینی کهن ترین شیوه بشر است که پابرجا بودن آن تا عصر حاضر از بزرگترین جاذبه های این شیوه معیشت است و همین شیوه خاص زندگی، سبب شده ایلات و عشایر "دیدنی ترین جاذبه عصر تکنولوژی" لقب بگیرند.

عشایر به شیوه ای جذاب و باور نکردنی طی قرن ها و سال های متمادی، اقدام به حفظ سنن و آداب و رسوم گذشته خود نموده اند و این اصالت به جاذبه ای برای صنعت گردشگری تبدیل شده است. نوع مسکن عشایر، شیوه زندگی آنها، زبان، موسیقی، غذاهای محلی، صنایع دستی، رقص و لباس های محلی به همراه آیین های خاص مراسم عروسی و جشن های محلی از مهمترین جاذبه های ایلات و عشایری می باشد.

عشایر کوچ رو که در اکثر استان های ایران پراکنده اند به دلایل مختلف هر ساله از شمار آنها کاسته شده و در ۱۵ سال کار عکاسی ام از عشایر ایران هر ساله نظاره گر تغییرات در شیوه کوچ و کاستی در تعدد آنان بوده ام.

در همین جا از تمامی عشایر مهربان که مرا به چادران خود راه داده اند و سفره پر مهر و محبت شان را خالصانه برایم پهن نموده اند کمال تشکر و سپاس را دارم.

عبدالله رئیسی اردکانی

ایل قشقایی

قشقایی ها بزرگترین جامعه عشایری کشورند که با جمعیتی بیشتر از دو میلیون نفر در ۵ استان جنوبی کشور اسکان داده شده پادرسال کوچند. فاصله بین بیلاق و قشلاق آنها از استان اصفهان تا بوشهر و کناره های خلیج فارس یعنی حدود ۹۰۰ کیلومتر است. مردم این ایل بزرگ در تاریخ ایران نقش مهمی داشته و در انقلاب مشروطیت و جنگ جهانی اول و دوم افتخارات زیادی به دست آورده اند. قشقایی ها سابقه تاریخی طولانی در این کشور دارند اگرچه از ورود آتاق به جنوب بیش از ۸۰۰ سال نمی گذرد ولی قرن ها قبل از ورود آریایی ها ردپا در این آب و خاک داشته اند.

مردم ایل قشقایی از ترکان اغوز هستند که ترکمن ها و ترک های فلات ترکیه و آذربایجان ها از این گروه منشعب شده اند. ایل قشقایی در حال حاضر از ۵ طایفه بزرگ کاشکولی، دره شوری، عمله، شش بلوکی و فارسیمدان تشکیل شده که در راس هر طایفه کلانتری که از طرف ایلخان تعیین شده مسئول رسیدگی به امور و نظم و ترتیب طایفه است و هر طایفه از چند تیره که اداره امور آن را کدخدا به عهده دارد و از طرف کلانتر تعیین می شود. هر تیره از تعدادی بنکو تشکیل شده که هر بنکو شامل چند خانوار است و ریش سفید ها بنکو را اداره می کنند.

قشقایی ها مردمی شجاع، جنگجو و هنرمند بوده و در سوارکاری و تیراندازی مهارت بسیاری دارند. زنان هنرمند قشقایی به بافندگی قالی، گلیم و جاجیم با طرح های زیبا مشغولند به طوریکه قالی قشقایی شهرت جهانی دارد. لباس زنان ایل قشقایی نیز یکی از زیباترین لباس های ایلات و عشایر ایران است.



Qashqai Tribe

Qashqai tribe is the largest nomadic society in Iran with a population of more than 2 millions who migrate or reside in 5 provinces in the south of Iran. The maximum distance between summer highland pastures and winter pastures which is from Isfahan province to Bushehr and Persian Gulf coast is about 900 km. Qashqai people had important role in the history of Iran and they had too many contributions in Persian Constitutional Revolution and world war I and II. The Qashqai has a long history in Iran and although it is not more than 800 years that they have moved to Iran, the trace of their presence observed centuries before the arrival of the Aryans.

The Qashqai were originally Oghuz Turks. The Turkmen, Turks of Anatolia and Azerbaijani people have been derived from this group. The Qashqai are made up 5 of big tribes including the Darreh-Shuri, Kashkuli, Amaleh, SheshBoluki and Fārsimadān. At the head of each clan a sheriff who is selected by the leader of sub-tribes (Ilkhan), is responsible for tribal affairs and discipline. Each clan consists of some Families and the leader of these families (Kadkhoda) is the administrator of the affairs and is selected by the Sheriff. Each Family is made up of some "Bonku" including several households who are administrated by a person called "Rishsephid" (white-bearded).

The Qashqai are brave, warrior and artist and they are skillful in horseback riding and shooting.

Artist women of Qashqai tribe weave Carpet, Kilim and Jajim so that the Qashqai Carpet is well-known worldwide.



The clothing of Qashqai women is one of the most beautiful dresses of nomadic tribes of Iran.



Qashqai Tribe

عشایر قشقای



Summer residence بیلاق 
Winter residence قشلاق 







خانه گرمسیری. عشایر قشقایی، یرج جهرم، فارس

Winter house. Turkish Qashqai tribe, Yarj, Jahrom in Fars

▶▶▶ چرای گوسفندان در گرمسیر. عشایر قشقایی، گرداب گاومیشی، کازرون، فارس

Grazing the sheep in pastureland in winter quarter of Qashqai nomadic tribe

Turkish Qashqai tribe, Gerdāb-Gāvmishi, Kazeroun in south of Fars



بافتن گبه توسط زنان ترک قشقایی. دشت هنگام، قیر و کارزین، فارس

Weaving "gabbeh" by Qashqai women. Hengām plain, Qir and Karzin in Fars

مدرسه عشایری در قشلاق. مدرسه با کوچ عشایر تغییر مکان می دهد و معلم نیز با ایل کوچ می کند. عشایر ترک قشقایی، دشت هنگام، قیروکارزین، فارس

Tribal school in warm region. With the migration of the tribe the teacher also migrates and the school will be held in the new place. Turkish Qashqai tribe, Hengām plain, Qir and Karzin in Fars





در سال های کم بارش و خشکسالی عشایر به گوسفندان جو می دهند.
عشایر قشقایی، یَرَج، جهرم، فارس

Tribes feed the sheep with barely in dry or low raining winters
Qashqai tribe, Yarj, Jahrom in Fars



شخم زمین توسط چهارپایان در گرمسیر برای کشت جو یا گندم دیم. اطراف جهرم، فارس

Ploughing farm lands by beasts to grow rain-watered wheat or barley. Jahrom suburbs in Fars



پیرزن و نوه اش از گرمای آتش در داخل چادر بهره مند می شوند. عشایر ترک قشقایی، قیر و کارزین، فارس
The Grand mother and her granddaughter warm themselves by the fire inside the tent. Qashqai
tribe, Qir and Karzin, in Fars







بافتن گبه درون چادر در گرمسیر. دشتِ هنگام، فارس
Weaving "gabbeh" inside the tent in winter. Hangām plain in Fars



کوچ بهاره. عشایر قشقایی، سرحد چهاردانگه، اقلید، فارس
Spring migration. Qashqai tribe, Sarhad-Chāhārdāngēh, Eqld in Fars

کوچ بهاره. عشایر قشقایی، دهنو، اقلید، فارس
Spring migration. Qashqai tribe, Dehno, Eqld in Fars







کودک قشقایی. نزدیک سی سخت، کهگیلویه و بویراحمد
A Qashqai kid. Near Sisakht in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad



کوچ بهاره عشایر لر، کوه دنا، کهگیلویه و بویراحمد
Spring migration of Lore tribe, Mt. Denā in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad





کوچ بهاره. عشایر قشقایی، اطراف مرودشت، فارس
Spring migration. Qashqai tribe, Marvdasht suburbs in Fars



«سگ» نگهبان وفادار و همیشه هوشیار. پادنا، اصفهان
 "Dog" the ever aware and faithful guard. Pādenā in Isfahan

کوچ بهاره. عشایر قشقایی، دشت بیضاء، فارس
 Spring migration. Qashqai tribe, Bayza plain in Fars







شستن قالی و پتو. عشایر قشقایی، سیمکان، فارس
Washing the rugs and blankets. Qashqai tribe. Simakān in Fars





کوچ بهاره. عشایر قشقایی، گردنه چاهو، درودزن، فارس
Spring migration. Qashqai tribe, Chahoo, Doroodzan in Fars

کوچ بهاره یک خانواده قشقایی. چاهو، درودزن، فارس
Spring migration of a Qashqai family. Chahoo, Doroodzan in Fars





پختن نان در اتراق میان راهی. عشایر قشقایی، دهنو، اقلید، فارس
Baking bread on the halfway of spring migration. Qashqai tribe. Dehno, Eqlid in Fars



خستگی کوچ. عشایر قشقایی، کاکان، کهگیلویه و بویراحمد

Tiredness of migration. Qashqai tribe, Kākān in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad

زن قشقایی در کوچ بهاره. منطقه پادنا، اصفهان

A Qashqai woman in spring migration. Pādenā region in Isfahan





برداشتن آب از چشمه. دسترسی به آب یکی از اساسی ترین مشکلات عشایر است. عشایر قشقایی، چاهو، درودزن، فارس
Pouring water into "goatskin". Providing water is one of the essential problems for tribes. Qashqai tribe. Chahoo in Fars



کوچ بهاره. عشایر قشقایی. گردنه مهگان، فارس
Spring migration of Qashqai tribe. Mahgān in Fars

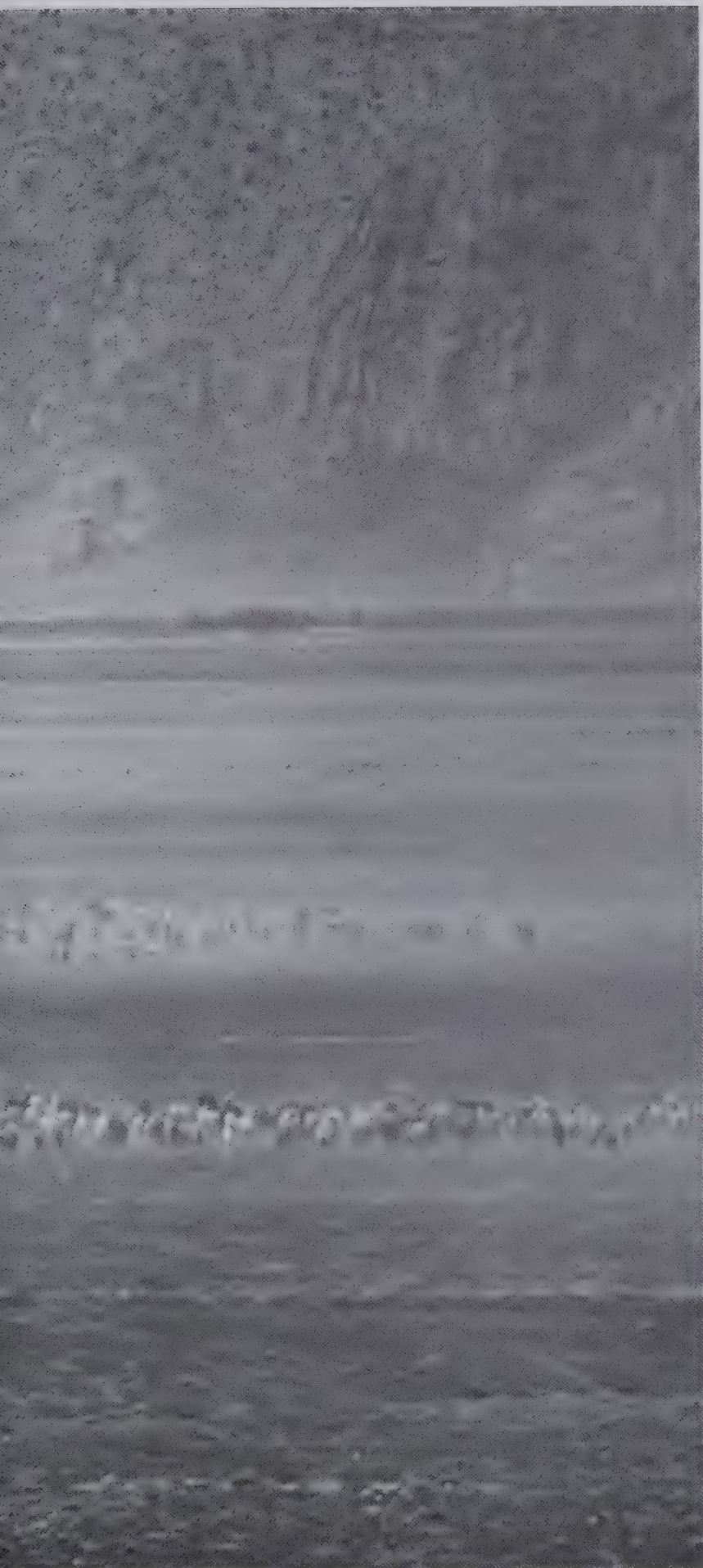






کوچ بهاره. عشایر قشقایی، سده، اقلید، فارس
Spring migration. Qashqai tribe, Sedeh, Eqlid in Fars





کوچ بهاره. عشایر قشقایی، دشت بکان، فارس
Spring migration. Qashqai tribe, Bakān plain in Fars



پیرزنی از عشایر قشقایی در کوچ بهاره. دشت بکان، فارس/فارس، دشت بکان، بهار. A Qashqai old woman in spring migration. Bakān plain in Fars/فارس، دشت بکان، بهار.



شرم! زن قشقایی. نزدیک سی سخت، کهگیلویه و بویراحمد
Modesty! Qashqai tribe. Near Sisakht in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad

دختر بچه قشقایی. سده، فارس
A Qashqai girl. Sedeh in Fars







اتراق میان راهی در کوچ بهاره
عشایر قشقایی، پادنا، اصفهان

A halfway bivouac in spring migration.
Qashqai tribe, Pādenā in Isfahan



گذر از گردنه. عشایر قشقایی، گردنه بیژن دنا، کهگیلویه و بویراحمد

Going through Col. Qashqai tribe, Bijan col, Mt. Denā in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad



صبحگاه سرد کوچ. عشایر قشقایی، گردنه بیژن دنا، کهگیلویه و بویراحمد

A Cold morning of migration. Qashqai tribe, Bijan Col, Mt. Denā in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad

کوچ یک بنکو. واحدهای اجتماعی بزرگتر از خانواده را در جامعه عشایری بنکو می نامند. عشایر قشقایی، کوه دنا، کهگیلویه و بویراحمد

Migration of a "Bonku". Bonku is a social unit greater than a family in nomad society. Qashqai tribe, Mt. Denā in Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad.





جاده عشایری. پادنا، اصفهان / A tribal path. Pādenā in Isfahan



لحظه ای استراحت در هنگام کوچ. عشایر قشقایی، پادنا، اصفهان.
Temporary rest during migration. Qashqai tribe, Pādenā in Isfahan.



ایل بختیاری

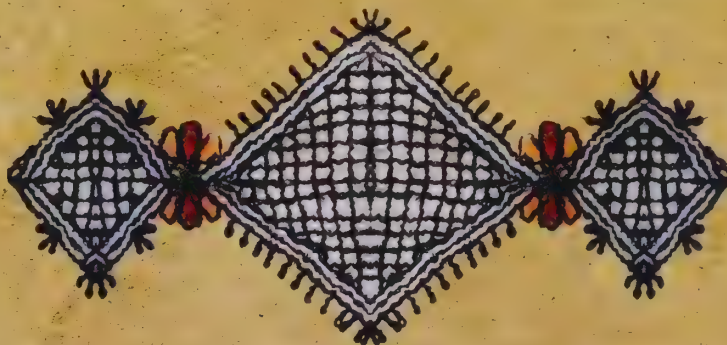
بختیاری یکی از ایلات بزرگ کشور است. وجه تسمیه بختیاری یا باختری از آنجا شروع می شود که نخستین قوم آنها در قسمت غرب کشور بوده و پایه قدرت مادها و پارس ها بودند و در مقابل اسکندر مقدونی مقاومت نمودند. همین ایل در تاریخ مشروطیت ایران نیز نقش بزرگی داشته است.

ایل بختیاری شامل دو طایفه بزرگ هفت لنگ و چهار لنگ است. طایفه هفت لنگ شامل تیره های زراسوند، دینارانی، احمد خسروی، بابادی، بهدادوند، دورکی، بالاحمدی و تیره های چهارلنگ شامل محمود صالحی، ممی وند، موگوئی، کیان ارثی که هر کدام از این تیره ها از چند مال تشکیل شده است. سلسله مراتب قدرت در ایل بختیاری شامل رئیس ایل (ایلخان) و رئیس طایفه (خان) و رئیس تیره (کدخدا و ریش سفید) و رئیس هر مال را (سر مال) گویند.

عشایر بختیاری در سرزمینی با وسعت ۱۴۸۲۰ کیلومتر مربع در مرکز فلات ایران از منطقه سرد زردکوه در استان چهارمحال بختیاری تا نواحی گرم خوزستان در حال کوچ هستند.

بختیاری ها علاوه بر دامداری و کشاورزی به کار صنایع دستی و بافت گلیم، قالی، سوزن دوزی، و بافت بالا پوش مردان به نام چوقا و نمکدان به نام تی یو و کیسه ی پشمی به نام هور و اجزای چادر به نام بهون می پردازند.

زبان عشایر بختیاری فارسی با گویش بختیاری است که در آن کلماتی از ایران باستان نیز شنیده می شود. جمعیت این ایل در آخرین آمار سرشماری ۹۰ هزار خانوار بوده است.



Bakhtiari Tribe

Bakhtiari Tribe is one of the largest tribes in Iran. This tribe is named Bakhtiari or Bakhtari, because they initially resided at the west of Iran and they were bases of The Medes and The Achaemenid Empire power and opposed Alexander the Great. This tribe has had a major role in the history of the Iranian Constitutional Revolution.

The Bakhtiari people are mainly from two tribal divisions, Chāhār Lang (The Four Legs) and Haft Lang (The Seven Legs). Haft Lang consists of sub-branches: Zarāsvand, AhmadKhosravi, BāAhmadi, Dowraki, Dinārāni, Bābādi, and Behdādvand and Chāhār Lang consists of the sub-branches of: Mami vand, Kian Ersi, Muguui, Mahmud Salehi. The hierarchy of power in Bakhtiari tribe consists of the head of sub-tribes (Ilkhan), the head of clan (Khan) and the head of families (Kadkhoda). The overall Khan alternates every two years between the heads of the Chahar Lang and the Haft Lang.

The Bakhtiari tribe migrates in a land as long as 14820 km² in the central Iran plateau from the cold region of Zardkuh in Chahārmahāl and Bakhtiari Province to the warm region in Khuzestan Province. In addition to agriculture and animal husbandry, they also do handicrafts like needlework, Weaving "rugs" and "carpets", and a kind of men's clothing called "Chugha", "Tiyer" a kind of bag for carrying salt and flour, woolen bag called "Hoor".



Bakhtiari language is Luri in which words can be heard from ancient Persia. In the latest census the population of this tribe was 90,000 households.



Bakhtiari Tribe

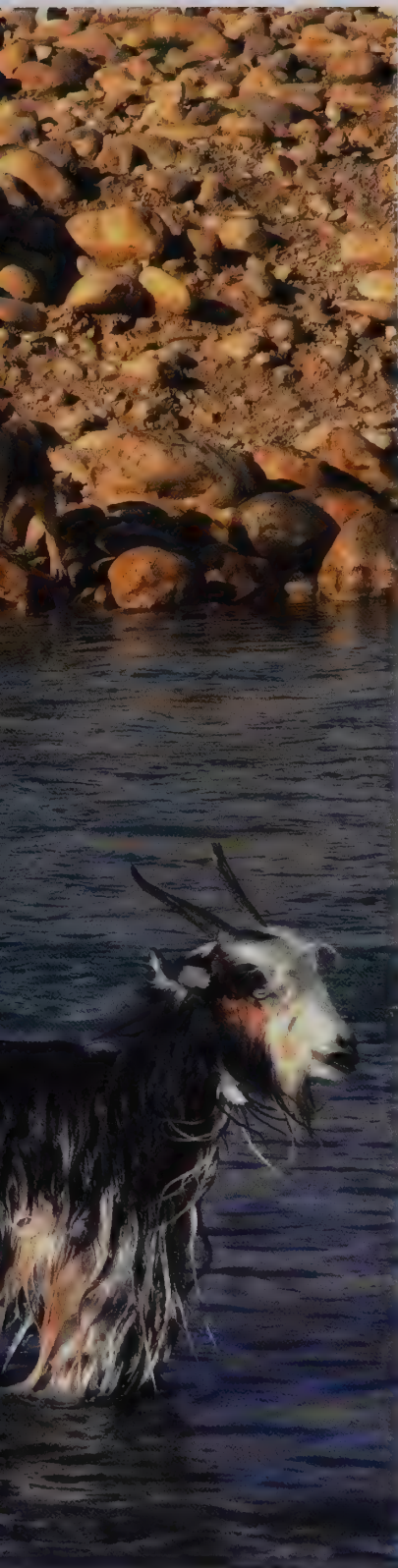
عشایر بختیاری



Summer residence بیلاق 
Winter residence قشلاق 



گذر از یکی از رودخانه های زردکوه. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Crossing one of the Zardkough rivers. Bakhtiari tribe, Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari



کوچ بهاره. عشایر بختیاری، بازفت، چهارمحال و بختیاری
Spring migration. Bakhtiari tribe, Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari

کوچ بهاره. برای جلوگیری از افتادن کودکان در هنگام کوچ آنها را با طناب محکم می بندند.
 عشایر بختیاری، بازفت، چهارمحال و بختیاری
Spring migration. To prevent children from falling, during migration, they are fastened tightly with rope.
 Bakhtiari tribe, Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari









کوچ بهاره. عشایر بختیاری، بازفت، چهارمحال و بختیاری
Spring migration. Bakhtiari tribe, Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari



کوچ بهاره. عشایر بختیاری، بازفت، چهارمحال و بختیاری
Spring migration. Bakhtiari tribe, Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari

عبور از رودخانه خروشان بازفت. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Crossing the roaring river. Bakhtiari tribe, Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari







زن بختیاری در کوچ بهاره. زرد کوه، چهارمحال و بختیاری
A Bahktiari woman in spring migration. Mt. Zardkough in Chahārmahāl and Bakhtiari

حفره ی دست کند عشایر جهت گذاردن لوازم اساسی در مواقع اضطراری در زمان کوچ. بازفت، چهارمحال و بختیاری.
A hole dug by hand for putting the necessary things in emergency during migration. Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari





کوچ بهاره. عشایر بختیاری، بازفت، چهارمحال و بختیاری

Spring migration. Bakhtiari tribe, Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari



مهتک (گهواره) وسیله ای برای حمل کودک در هنگام کوچ که گاهی وزن آن به ۲۵ کیلو می رسد.
عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری

"Mahtak" is kind of cradle for carrying babies during migration. Sometimes its weight might be 25 kilos.
Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

گذاردن بالش در زیر مهتک جهت حمل بهتر آن. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
For better carrying the cradle, the Nomads put a pillow under it.
Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari









عبور از یکی از رودخانه های زردکوه در کوچ بهاره. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری

Crossing one of the Zardkough rivers during spring migration.

Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari



مرد بختیاری. بازفت، چهارمحال و بختیاری. بزغاله هایی که توان گذر از آب را ندارند توسط مردان بختیاری حمل می شوند.

A Bakhtiari man. Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari.

The yeanelings that cannot cross the river, are carried by Noamd men





خواب خوش! کوچ بهاره، دامنه های زردکوه، چهارمحال و بختیاری. مرد عشایر برای محافظت از گله در کنار گوسفندان می خوابد و لباس مخصوصی که برای گرم کردن خود از آن استفاده می کند "کردک" نام دارد که از جنس نمد است.

Sweet sleeping! Spring migration, lower slopes of Mt. Zardkough in Chahārmahāl and Bakhtiari. The nomad man sleeps near the herd of sheep for protecting them and in order to keep himself warm, he wears a special clothing called "Kordak" which is made of felt.

بز راهنما. عشایر بختیاری، بازفت، چهارمحال و بختیاری

Guide goat. Bakhtiari tribe, Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari





سیراب کردن خواهر در مسیر کوچ، عشایر بختیاری، بازفت، چهارمحال و بختیاری
 The Bakhtiari boy is giving water to his sister in migration. Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari

رویای موتور سواری!! زردکوه، چهارمحال و بختیاری
 Dream of driving motorcycle!! Mt. Zardkough in Chahārmahāl and Bakhtiari





کودک بختیاری، بازفت، چهارمحال و بختیاری

A Bakhtiari child. Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari



سیراب شدن از چشمه. زردکوه، چهارمحال و بختیاری
Drinking water from the spring. Mt. Zardkough in Chahārmahāl and Bakhtiari

شیر سنگی. گورستان عشایر بختیاری. بازفت، چهارمحال و بختیاری
بر قبر جوانان رشید و دلیر ایل که در راه دفاع از میهن و یا حریم طایفه خویش کشته شده اند، شیر سنگی گذارده می شود
Stone lion Statue. Cemetery of Bakhtiari tribes. Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari
A stone lion statue is placed on the graves of brave young people who were killed in defending their tribes or country









زن بختیاری در کوچ بهاره. بازفت، چهارمحال و بختیاری
A Bakhtiari woman during spring migration. Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari



انس! زردکوه، چهارمحال و بختیاری
Familiarity! Mt. Zardkouh in Chahārmahāl and Bakhtiari





زن بختیاری در کوچ بهاره. بازفت، چهارمحال و بختیاری

A Bakhtiari woman while migrating. Bazoft in Chahārmahāl and Bakhtiari



اتراق میان راهی. عشایر بختیاری، دامنه جنوبی زردکوه، چهارمحال و بختیاری
A halfway bivouac. Southern lower slopes of Mt. Zardkough, Chahārmahāl and Bakhtiari

عبور از زردکوه. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Going up Mt. Zardkough. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari







عبور از دامنه جنوبی زردکوه در کوچ بهاره. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری.

Passing the southern lower slope of Mt. Zardkough in spring migration.
Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari







مرد بختیاری. زردکوه، چهارمحال و بختیاری
A Bakhtiari man. Mt. Zardkough, Chahārmahāl and Bakhtiari

تقویت بز ناتوان در ارتفاعات زردکوه. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Feeding the weak goat with barley so that it can pass Mt. Zardkough. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari



▶▶▶ گذر از شیب تند زردکوه. کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال بختیاری.

Ascending the sharp slope of Mt. Zardkough. Spring migration, Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari.



تفنگ وسیله ی جدایی ناپذیر عشایر ایران. عشایر بختیاری، زردکوه، چهارمحال و بختیاری
"Gun" a close friend of the Nomads. Bakhtiari tribe, Mt. Zardkough, Chahārmahāl and Bakhtiari







فرود از جبهه شمالی زردکوه. کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال بختیاری
 Descending the north face of Mt. Zardkough. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

فرو رفتن چهارپایان در برف. عشایر بختیاری، زردکوه، چهارمحال و بختیاری
 The livestock sinking into snow. Bakhtiari tribe, Mt. Zardkough, Chahārmahāl and Bakhtiari



عبور از گردنه. زردکوه، عشایر بختیاری، چهارمحال بختیاری
 Moving through the col of Mt. Zardkough. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari



کوچ بهاره. زردکوه، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری

Spring migration. Mt. Zardkouh, Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari



دادن جو به الاغ ناتوان برای عبور از زردکوه. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Feeding the weak donkey with barely to pass Mt. Zardkouh. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

عبور از ارتفاعات ۴۰۰۰ متری زردکوه. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Passing through highlands (about 4000 m) of Mt. Zardkouh. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari









گذر از زردکوه. کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Ascending the Mt. Zardkough. Spring migration, Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

▶▶▶ حمل بز ناتوان در شیب تند زردکوه. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
 The Bakhtiari shepherd carries the weak goat in the sharp slope of Mt.Zardkough.
 Bakhtiari tribe,Chahārmahāl and Bakhtiari



کوچ بهاره، زردکوه. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
 Spring migration,Mt.Zardkough.Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

خستگی مفرط در گذر از شیب تند زردکوه.عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
 Extreme tiredness while passing the steep slope of Mt. Zardkough. Bakhtiari tribe,Chahārmahāl and Bakhtiari







کوچ بهاره. زردکوه، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Spring migration. Mt. Zardkough, Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

کمک به الاغ ناتوان. زردکوه، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Helping the weak donkey to move. Mt. Zardkough, Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

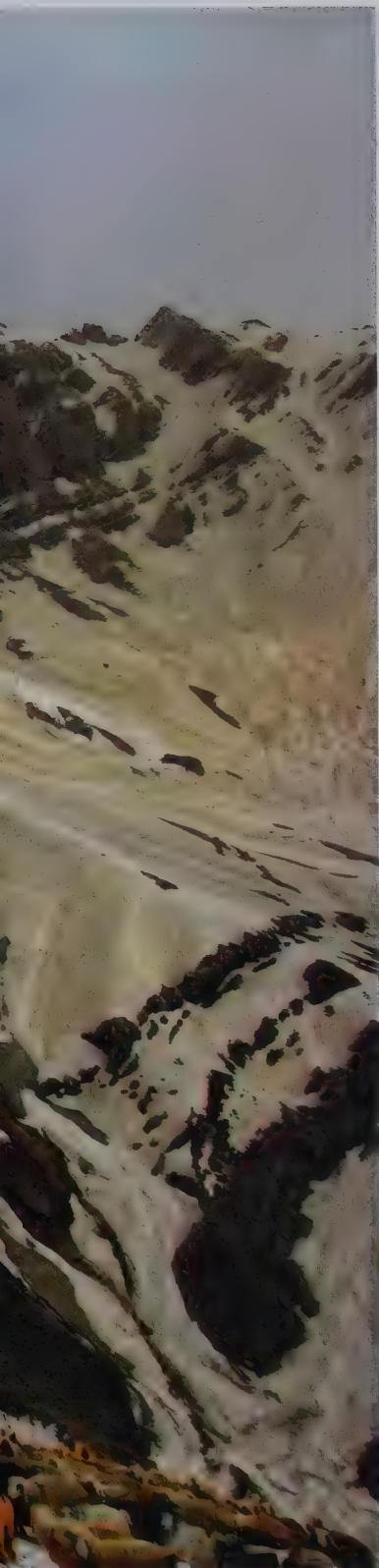


فرود از جبهه شمالی زرد کوه در کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری. ◀◀◀
Descending the north face of Mt. Zardkough in spring migration. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari



صعود از زردکوه. کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری

Ascending Mt. Zardkouh in spring migration. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari



اتراق بین راهی. کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری. (دادن علوفه ی تازه به چهارپایان برای توانمندی آنها در گذر از زردکوه)

A halfway bivouac during spring migration. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari
(The Nomads feed the beasts with fresh forage to increase their power in order to pass Mt. Zardkouh)

بیرون کشیدن الاغ از برف. زردکوه، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری

Pulling the donkey out of the snow. Bakhtiari tribe, Mt. Zardkouh, Chahārmahāl and Bakhtiari





عبور از کوه پر برف زردکوه. کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال بختیاری
Traversing the snowy mount Zardkough during spring migration.
Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari





کوچ بهاره یک بنکو. زردکوه، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Spring migration of a Bakhtiari family. Mt. Zardkough, Chahārmahāl and Bakhtiari



فرود از شیب تند زردکوه. کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
 Descending the steep slope of Mt. Zardkough. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

واژگون شدن الاغ بر اثر شیب تند زردکوه. عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
 The miserable donkey falling down because of steep slope of Mt. Zardkough
 Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari







رها کردن گوسفند ناتوان در مسیر کوچ! زردکوه، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری
Leaving the weak sheep while migrating! Mt. Zardkough, Bakhtiari tribe, Chaharmahal and Bakhtiari







▶▶▶ گذر از مسیرهای صعب العبور در زردکوه، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری

Passing the rough paths of Mt. Zardkouh. Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari

فرود از جبهه شمالی زردکوه در کوچ بهاره، عشایر بختیاری، چهارمحال و بختیاری

Descending the north face of Mt. Zardkouh in spring migration.

Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari



عبور کامل از زرد کوه در کوچ بهاره. عشایر بختیاری، چهارمحال بختیاری
Passing through Mt. Zardkough completely in spring migration.
Bakhtiari tribe, Chahārmahāl and Bakhtiari



ایل شاهسون

شاهسون به معنی دوستدار شاه به گروهی اطلاق می شود که شاه عباس از سراسر ایران ، آسیای صغیر و بین النهرین جمع آوری و دفاع از پایتخت آن زمان (قزوین) را به آنان واگذار نمود. بعدها این گروه به صورت یک ایل که تابستان ها در ارتفاعات اهر و مشکین شهر و زمستان ها در بخش شرقی جلگه مغان بیلاق و قشلاق می گردند، به نام شاهسون معروف شدند.

امروزه بیشتر مردم عشایر شاهسون در دشت مغان سرزمین اصلی خود ساکن هستند و به زبان ترکی صحبت می کنند و از تعدادی طایفه و هر طایفه از تعدادی تیره و هر تیره از تعدادی گویش و هر گویش از چند اوبه تشکیل شده است. ایل شاهسون از ۴۵ طایفه تشکیل شده است که شاهسون های منطقه مشکین شهر از ۳۲ طایفه و شاهسون های اردبیل از ۱۳ طایفه تشکیل شده اند.

شاهسون ها با خصوصیات اخلاقی برجسته و حس والای میهن پرستی ، حافظ کشور در هنگام هجوم بیگانگان بوده و در طول تاریخ در حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور کوشا بوده اند. شاهسون ها آداب و رسوم ایلی خود را حفظ کرده و به آن احترام می گذارند. لباس های زنان شاهسون کاملاً پوشیده و روسری های معروف به کلاغی با گل های درشت ، زیبایی خاصی به آنان داده است.

شاهسون ها در چادر های نیمکره ای شکل به نام آلاچیق زندگی می کنند که از جنس نم ، چوب و حصیر می باشد.

عشایر شاهسون به پرورش بز ، میش ، گاو ، شتر واسب مشغولند و زنان شاهسون در بافت گلیم و قالیچه با طرح های زیبا مهارت خاصی دارند.



Shāhsavan Tribe

The name Shāhsavan means devotees of the king and it refers to a group of people that Shah Abbas the Great gathered from all over Iran, Mesopotamia and Anatolia for defending the capital of that time "Qazvin". Later this group became known as a tribe, who spent their summers in the highlands of Ahar and MeshkinShahr and their winter at the east of Mugan plain.

Today most of tribal people of Shāhsavan are reside in their homeland "Mugan plain". They speak in Turkish. Each clan consisting of some families, each family of some "goobag" and each "goobag" consisting of some "oubeh"s. Their tribe consists of 45 clans. Shāhsavan tribe of MeshkinShar has 32 clans and Shāhsavan tribe of Ardebil has 13 clans.

The shāhsavan being patriotic and ethically, have always guarded the country against the foreigners' attacks and have always tried to protect and defend their country's independency and territorial integrity. Shāhsavan tribe has retained their tribal customs and respects them. Shāhsavan women's clothing is completely covered and their scarves known as "Kalaghi" with big flowers give a special beauty to them.



Shāhsavan tribes live in the hemisphere-shaped tents called "Alachigh" which is made of felt, wood and straw mat. They breed goats, sheep, cows, camels and horses. Shāhsavan women have special skill in weaving carpets and Kilims.



Shahsavan Tribe

عشارشاہسون



Summer residence بیلاق 
Winter residence قشلاق 



مراعات ییلاقی عشایر شاهسون. دامنه کوه سبالان، مشکین شهر، اردبیل

Summer pasturelands of Shāhsavan tribes . Mt.Sabalān, near Meshkinshahr in Ardebil



نمای داخلی آلاچیق عشایر شاهسون
The internal view of shāhsavan tent

آلاچیق عشایر شاهسون. هوشنگ میدانی، مشکین شهر، اردبیل
A tent of Shāhsavan tribes. Hooshang meidani, near Meshkinshahr in Ardebil





چرای گوسفندان عشایر شاهسون در دامنه کوه سبلان. مشکین شهر، اردبیل
Grazing the sheep at the lower slope of Mt. Sabalān. Shāhsavan tribe, near Meshkinshahr in Ardebil



زن شاهسون
A woman from Shāhsavan tribe

عشایر شاهسون. هوشنگ میدانی، اطراف مشکین شهر، اردبیل
Shāhsavan tribe. Hooshang meidani, near Meshkinsahr in Ardebil





ییلاق عشایر شاهسون. دامنه کوه سبلان، شاه بیل، مشکین شهر، اردبیل

Summer quarters of Shāhsavan at the lower slope of Mt. Sabalān.
Shāhbīl, MeshkinShahr in Ardebīl.







ییلاق عشایر شاهسون. دامنه کوه سیلان، شاه بیل، مشکین شهر، اردبیل
Summer quarters of Shāhsavan at the lower slope
of Mt. Sabalān Shāhbil, MeshkinShahr in Ardebil



زن شاهسون. شاه بیل، دامنه کوه سیلان، اردبیل
A woman from Shāhsavan tribe. Shāhbil, lower slope of Mt. Sabalān, Ardebil

زن شاهسون. ایگار، اردبیل
A woman from Shāhsavan tribe. Igār in Ardebil





زن شاهسون. سون بیوم، اطراف مشکین شهر، اردبیل
A Shāhsavan woman. Son Biom, near Meshkinshahr in Ardebil

مرد شاهسون. دامنه کوه سبالن، مشکین شهر، اردبیل
A Shāhsavan man. Lower slope of Mt. Sabalān, near Meshkinshahr in Ardebil







دختر بچه شاهسون. سون بیوم، اطراف مشکین شهر، اردبیل
A girl of Shāhsavan tribe. Son Biom, near Meshkinshahr in Ardebil



استراحت میان روزی در دامنه کوه سبالان. عشایر شاهسون، اطراف مشکین شهر، اردبیل

Resting at noon in the lower slope of Mt.Sabalān. Shāhsavan tribe,near Meshkinshahr in Ardebil



عشایر کرد خراسان

حدود ۴۰۰ سال قبل، شاه عباس اول برای مقابله با حملات ازبکان و ترکمنان، حدود ۴۰ هزار نفر از کردهای آذربایجان و کردستان را به خراسان کوچاند که سه ایل بزرگ زعفراتلو، شادلو و قراچورلو را تأسیس نمودند. و در حال حاضر مهمترین شاخه کردهای خراسان کرمانج است.

بیلاق عشایر کرد خراسان در اطراف شهرهای اسفراین، بجنورد، دره گز، شیروان، قوچان، نیشابور و قشلاق آنها در مناطق پست و کم ارتفاع مراوه تپه در استان گلستان و بخشی از راز و جرگلان، جاجرم و میاندشت اسفراین در استان خراسان شمالی می باشد. دام اصلی آنها گوسفند و بز بوده و از شتر جهت حمل لوازم در هنگام کوچ استفاده می کنند.

طبق آخرین سرشماری، جمعیت عشایر کرد خراسان حدود ۷۰۰،۰۰۰، ۱ نفر بوده که پیرو دین مبین اسلام هستند و به زبان های کردی و کرمانجی صحبت می کنند که لغات ترکی هم در آن شنیده می شود.

عشایر کرد خراسان مردمانی سخت کوش، دلیر، مهربان، مهمان نواز و وطن پرست هستند که علاقه وافری نیز به موسیقی دارند و اغلب آنها دارای آلات موسیقی هستند که با آن هنرنمایی می کنند.

پوشش زن کرد خراسان شاخصه های منحصر به فردی دارد که نوع پارچه، زینت ها و پردازش رنگ از جمله این ویژگی است که ترکیبی از کراس، شیلوار، گله و نظامی است.



Kurdish tribe of Khorāsān

About 400 years ago, in order to confront the attacks of the Uzbeks, Turkomen and Mongols, Shah Abbas the Great moved about 40 thousand Kurd people from Kurdistan and Azerbaijan to Khorāsān. They established 3 great tribes: Zafaranlu, Shadlu, and Qarachurlu. And now the most important branch of Kurdish tribe in Khorāsān is Kurmanj.

Summer pasture of Kurdish tribe is at Esfarayen, Bojnord, Dargaz, Quchan, Nishapur and their winter pasture is at Lowland of Marāveh Tappeh in Golestan Province and part of Raz and Jargalan region, Jajrām, Miandasht in Esfarayen city in North Khorāsān Province. Their main livestock are sheep and goats and they use camels to carry their supplies while migration.

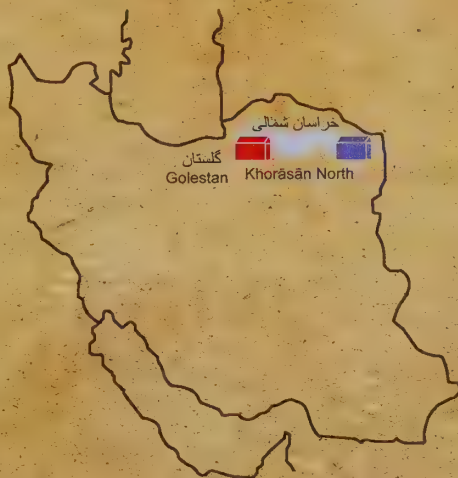
According to the latest census, the population of Khorāsāni Kurds is 1.7 millions and they are followers of Islam religion. They speak in Kurdish and Kurmanji languages in which Turkish words can be heard. Khorāsāni Kurds are Diligent, brave, gentle, hospitable and Patriot people who love music and most of them have musical instruments and play music beautifully.



Women's clothing of Khorāsāni Kurds has a unique trait which has a special kind of cloth, adornments, Color processing and consists of Keras, Shilvar (trousers), Kolleh, Nezami.

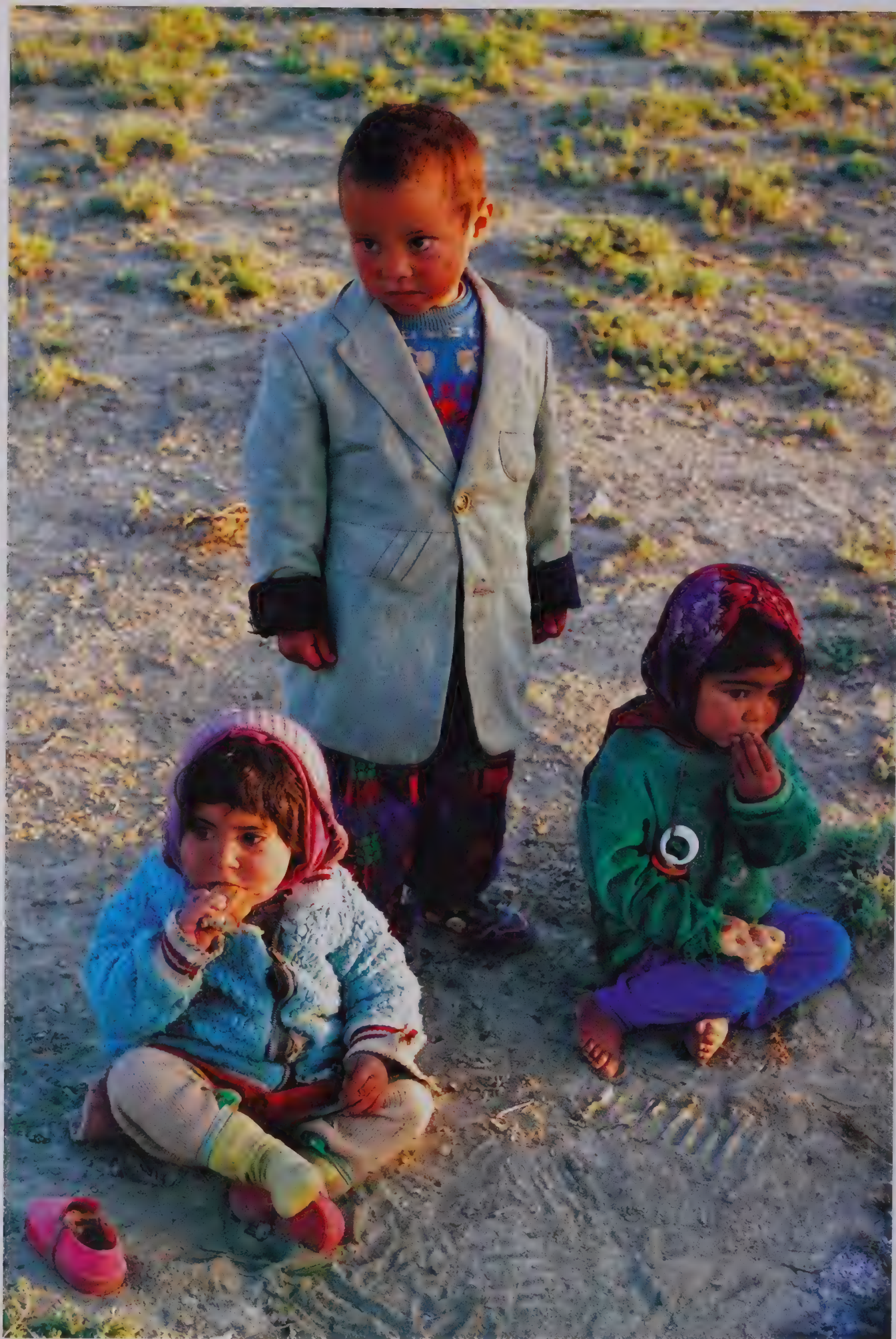


Kurdish tribe of Khorasan

عشایر کرد خراسان



Summer residence بیلاق 
Winter residence قشلاق 



کودکان در نیمه راه کوچ، عشایر کرد خراسان، نزدیک شیروان، خراسان

The kids on the way of spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān



کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، نزدیک شیروان، خراسان
 Spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān

کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، نزدیک بجنورد، خراسان
 Spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near bojnoord in Khorāsān







زنی از عشایر کرد خراسان. آق توقه، مراوه تپه، گلستان

A woman from Kurdish tribe of Khorāsān.

Aq Tuqeh, Marāveh Tapeh in Golestan



کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، شیروان، خراسان

Spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān





پختن نان در تنور. عشایر کرد خراسان، آق توقه، مراوه تپه، گلستان

Baking bread in the Oven. Kurdish tribe of Khorāsān, Aq Tuqeh, Marāveh Tapeh in Golestan



صبحگاه کوچ. عشایر کرد خراسان، نزدیک شیروان، خراسان
The morning of migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān





کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، شیروان، خراسان
Spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān.



کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، شیروان، خراسان
Spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān





اتراق میان راهی در کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، شیروان، خراسان

A halfway bivouac during spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān



کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، نزدیک شیروان، خراسان
Spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān

بار زدن شتر توسط دختر جوان عشایر کرد خراسان. نزدیک شیروان، خراسان
Loading the camel by Kurish young woman of Khorāsān tribes. Near Shirvān in Khorāsān





کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، شیروان، خراسان

Spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān



کوچ بهاره. عشایر کرد خراسان، شیروان، خراسان

Spring migration. Kurdish tribe of Khorāsān, near Shirvān in Khorāsān

عشایر ترکمن

ترکمن ها یکی از اقوام ترک تبار آسیای میانه هستند که در شمال شرقی ایران زندگی می کنند. آنها به زبان ترکمنی صحبت می کنند و بیشتر آنها سنی هستند. ترکمن های ایران بیشتر در جنوب شرقی دریای خزر و در ترکمن صحرا و اطراف رودخانه اترک و گرگان رود سکونت دارند. از شهرهای مهم ترکمنان می توان بندر ترکمن، گنبد کاووس، کلاله، آق قلا، گمیشان، مراوه تپه و اینچه برون را نام برد. عشایر ترکمن به ۹ ایل بزرگ تقسیم می شوند و ساختار اجتماعی عشایر به صورت ایل، طایفه، تیره، شاخه (زیر تیره)، لاکام (اروغ)، ایوی (خاتوار) می باشد. ایل های عشایر ترکمن عبارتند از یموت، گوگلانگ، تکه، نخورلی، واحدهای سکونت ترکمن ها نیز به صورت یورت، اوبا، سیرقن، اوی (آلاچیق) می باشد. عشایر ترکمن از سالیانه گذشته از آلاچیق های قابل حمل و پیش ساخته برای زندگی استفاده می کنند که امکان بهره مندی از نور طبیعی را فراهم آورده و برای مواجهه با باد و مقاومت در برابر تغییرات نیز کاربرد دارد. این آلاچیق ها عموماً دارای فرم مدور با سازه های چوبی و پوششی از نمد شکل گرفته است. عشایر ترکمن به نواختن تنبور یا دوتار علاقه وافری دارند. دام اصلی آنها گوسفند و بز می باشد. اسب ترکمن که پیشینه طولانی در سنن و زندگی صحرانشینی داشته از نژاد اصیل ایرانی می باشد که در منطقه ترکمن صحرا پرورش داده می شود. خالص ترین اسب های ترکمن را می توان در منطقه راز و جرگلان از توابع استان خراسان شمالی یافت.

Turkmen Tribe

The Turkmen are one of the Turkic tribe of Central Asia who live in northeast of Iran. They speak Turkmen and most of them are Sunnis. Most of the Turkmen of Iran settle in the southeast of Caspian Sea, Turkmen Sahrā, near Atrek River and Gorganrud River. The major cities of the Turkmen are Bandar Torkaman, Gonbad-e Qavus, Kalaleh, Aqqala, Gomishan, Marāveh Tappeh, and Incheh Borun.

Turkmen tribes are divided into 9 large sub-Tribes. Social structure of Turkmen tribe consists of Sub-tribes, Clans, Families, Lakam, Oye. The Turkmen sub-tribes are Yamout, Goklen, Teke, Nokhorley. Turkmen's housing units are Yurt, Oba, Syrquen, Oei (Alachigh). Turkmen tribes use prefabricated and portable Alachigh for having natural light and also protecting themselves against wind and the changes in weather. These Alachighs generally have circular form with wooden structures and covered with felt. Turkmen nomads have passion for playing tambour. Their main livestock are sheep and goats.

Turkmen horses are full-blooded Iranian and have a long history in tribal traditions. They are grown in the region of Turkmen Sahrā. The most original Turkmen horses can be found in the regions of Raz and Jargalan in Northern Khorāsān province.



Turkmen Tribe

عشاير ترکمن



Summer residence بیلاق

Winter residence قشلاق



مرد ترکمن. ترکمن صحرا، گلستان

A man from Turkmen tribes. Turkmen Sahrā in Golestan



چوپان ترکمن. ترکمن صحرا، گلستان
A Turkmen Shepherd. Turkmen Sahra in Golestan





خشک کردن پوست گوسفند به وسیله حرارت آرام اجاق داخل چادر. ترکمن صحرا، گلستان
Drying the skin of goats by mild heat of oven inside the tent. Turkmen Sahrā in Golestan



چادر عشایر ترکمن. ترکمن صحراء، گلستان

A tent of Turkmen tribe. Turkmen Sahrā in Golestan

نمای داخلی چادر عشایر ترکمن. ترکمن صحراء، گلستان

The internal view of Turkmen tent. Turkmen Sahrā in Golestan







کودکان ترکمن. ترکمن صحرا، گلستان

Turkmen children. Turkmen Sahrā in Golestan

عشایر سنگسر

شهر مهدی شهر (سنگسر سابق) در استان سمنان، خاستگاه ایل سنگسری است که خانوارهای عشایری از اواخر شهریور تا اواسط خرداد ماه در آن سکونت دارند. سنگسری ها بنا به نوشته احمد کسروی بازمانده قوم سکاها هستند و نام سنگسر از کلمه سکا گرفته شده است. سابقه تاریخی عشایر سنگسر به پیش از اسلام می رسد که در شاهنامه نیز از آنان یاد شده است. زندگی ایلی این گروه به صورت رمة گردانی است که بیلاق آنها در مراتع سرسبز فیروزکوه و دامنه های رشته کوه البرز و دامنه کوه دماوند و قشلاق آنها مناطق علف خیز سمنان تا طبس و بیرجند است. آنها طولانی ترین مسیر کوچ جهان را طی می کنند به طوری که فاصله دورترین نقطه بیلاقی و قشلاقی آنان به بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر می رسد. طوایف مختلف این ایل عبارتند از کسائیان، پارسا، محمدیان، ذوالفقاری، شهریاری، جوادی، شبانیان، حامدی، سعیدی، قلعه بانی، نورانی، مراد الیان، یزدانی و... است. سنگسری ها پس از گذشت قرن ها و با وجود تحولات زیاد هنوز گویش شیرین آریایی خود را حفظ کرده اند. گویش آنها مخلوطی از لهجه های گیلکی، کردی، شهمیرزادی و سیستانی است. سنگسری ها اغلب با دامپروری امرار معاش کرده و زنان هنرمند یا استفاده از پشم مرغوب به بافت قالی و گلیم می پردازند. همچنین نوعی روسری ظریف به نام مکنو که از ابریشم خام بافته می شود، از دیگر صنایع دستی آنان می باشد.



Sangsar Tribe

Mehdishahr city (former Sangsar) in Semnan Province is the origin of Sangsar tribe where they reside from late September till mid-June. According to the writings of Ahmad Kasravi, Sangsar tribes are the descendant of Scythian (Saka) tribe and the name of Sangsar is derived from the word Saka. The history of Sangsar tribe goes back to the time before Islam and its name is also mentioned in the book of kings (Shahnameh).

Sangsar tribes are nomadic pastoralists people who spend their summer pasture at Firouzkouh and lower slopes of Alborz mountain range and their winter pasture at grazing lands of Semnan up to Tabas and Birjand. They traverse the world's longest migration path so that the farthest distance between their winter and summer pastures is over 1200 km.

Their sub tribes are Kasāiān, Pārsā, Mohammadian, Zolfaghārī, Shahriari, Javādi, Shabānian, Hāmedi, Saeedi, Ghalebāni, Nourāni, Morādeliani, Yazdāni ... After centuries and despite many changes, Sangsari nomads have kept their sweet Aryan dialect. Their accent is a mixture of Gilaki, Kurdi, Sistāni, Shahmirzadi dialects.


Most of Sangsari nomads do animal husbandry and artist women weave carpets and Kilims using high quality wool. The other handicraft of women of Sangsar tribe is a kind of scarf named "Makno" which is weaved by raw silk.




Sangsar Tribe

عشاير سنسار



Summer residence بیلاق 

Winter residence قشلاق 



چادر عشایر سنگسر. دامنه غربی کوه دماوند، مازندران
The tent of Sangsar tribes. Western lower slopes of Mt. Damāvand, Māzandarān



تنور نان. عشایر سنگسر. دامنه غربی کوه دماوند، مازندران
The oven of baking bread. Sangsar tribe, western lower slopes of Mt. Damāvand, Māzandarān

پختن نان توسط زنان عشایر سنگسر. دامنه غربی کوه دماوند، مازندران
Baking bread by women of Sangsar tribes. Western lower slopes of Mt. Damāvand, Māzandarān





ارتفاعات البرز، عشایر سنگسر. حوالی آمل، مازندران
Highlands of Alborz Mountain range, Sangsar tribe. Near Amol in Māzandarān



چرای گوسفندان. عشایر سنگسر. دامنه غربی کوه دماوند، مازندران
Grazing the sheep. Sangsar tribe. western lower slopes of Mt. Damāvand in Māzandarān









چرای گوسفندان. عشایر سنگسر، دشت لار، مازندران
Grazing the sheep. Sangsar tribe, Lar plain in Māzandarān.

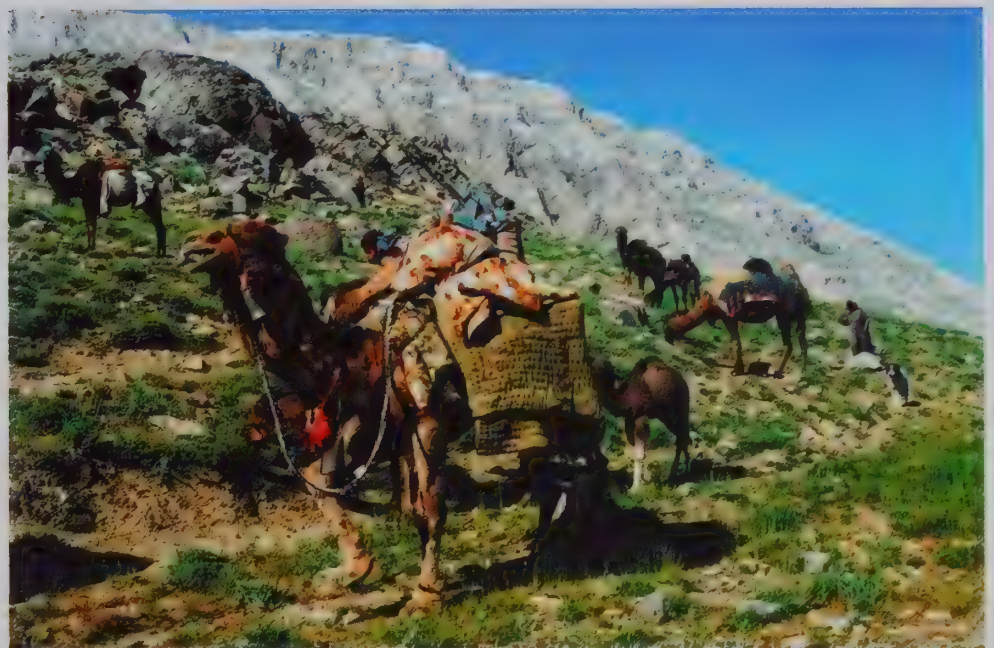


▶▶▶ ارتفاعات البرز، عشایر سنگسر. منطقه لاریجان، مازندران

Highlands of Alborz Mountain range, Sangsar tribes.

Larijan region in Māzandarān

کَـوچ بهاره، عشایر سنگسر. دامنه کوه گل زرد، مازندران
Spring migration. Sangsar tribe. Footill of Mt. Golezard, Mazandaran



عشایر تالش

شهرستان تالش در ساحل دریای خزر واقع است و نام آن از کلمه تولش به معنای گل خیز گرفته شده که به تالش تبدیل گردیده است. تالش دارای یک قسمت کوهستانی یا کواج و یک ناحیه جلگه ای می باشد که این مناطق محل زندگی ایلات و عشایر است. بنا به برخی نوشته ها عشایر تالش باقیمانده طایفه بزرگ کادوسیان هستند. کادوسیان در زمان حکومت کوروش کبیر بخشی از سپاهیان هخامنشیان را تشکیل می دادند و به او وفادار بوده اند. در دوره باستان در گیلان و شمال شرقی آذربایجان فعلی زندگی می کردند و از اقوام ایرانی تبار هستند.

مهمترین ایلهایی که در این قسمت زندگی می کنند ، ملالی و خاشه بری است. خاشه بری ها در زمان صفویه امتیازات زیادی گرفته و حفاظت حوزه خزر به عهده آنان بوده است. سرزمینی پربرکت اطراف لنکران و آستارا و گرگانرود چراگاه گوسفندان و مسیر کوچشان بود. تا اینکه به موجب عهدنامه ترکمانچای ، دولت ایران بیشتر سرزمین های آنان را به روسیه واگذار کرد که این قرارداد در زندگی اقتصادی و اجتماعی آنان تغییرات بزرگی به وجود آورد. مردم ایل ملالی در جنبش انقلابی میرزا کوچک خان نقش بزرگی ایفا کردند. دام اصلی عشایر تالش گاو و گوسفند بوده و برخی از آنان علاوه بر دامداری به کشت برنج ، توتون و چای نیز مشغولند. عشایر تالش مردمی سر زنده و با نشاط و زبان آن ها از جمله زبان های رایج در آذربایجان است. دیگر طوایفی که در این منطقه زندگی می کنند عبارتند از شاندرمن ، ماسوله ای ، ایل بیگی ، عالیوند و استا راکی هستند که اغلب اسکان داده شده اند و مابقی به صورت رَمه گردانی روزگار می گذرانند.



Talysh Tribe

Talysh city is located at the shores of the Caspian Sea. The name of Talysh derived from the word "Tulesh" meaning flower- rich. Talysh has been has a mountainous area and a plain region which is the habitation of Talysh nomads.

The Talishis generally identify themselves with the ancient Cadusian. At the time of Cyrus the Great, Cadusian were part of Achaemenid Empire's army and they were faithful to him. The Cadusii were ancient Iranian people living in north-western Iran.

Talysh tribes live in Gilan and east Azerbaijan provinces. The most important tribes in this region are Khasheberi and Melali. The Khasheberi had many advantages at the time of Safavid dynasty and were responsible for the protection of the Caspian Basin. The fertile lands around Astara, Lankaran, Gorganrud were their pasture and migration route, but due to the Treaty of Turkmenchay, Iran government ceded most of their lands to Russia. This agreement made big changes in their social and economic life. Melali played a significant role in revolutionary movement of Mirza Kuchic Khan.



The main livestock of Talysh tribe are cows and sheep. Some of Talysh nomads in addition to animal husbandry, cultivate rice, tobacco and tea. Talysh nomads are lively and joyful people and their language is one of the common languages in Azerbaijan. Other tribes who live in this region are Shanderman, Masouleii, Ilbeigi, Alivand, Osta raki but most of them have been resettled and the rest lead a nomadic life.



Talysh Tribe

عشايرتاش

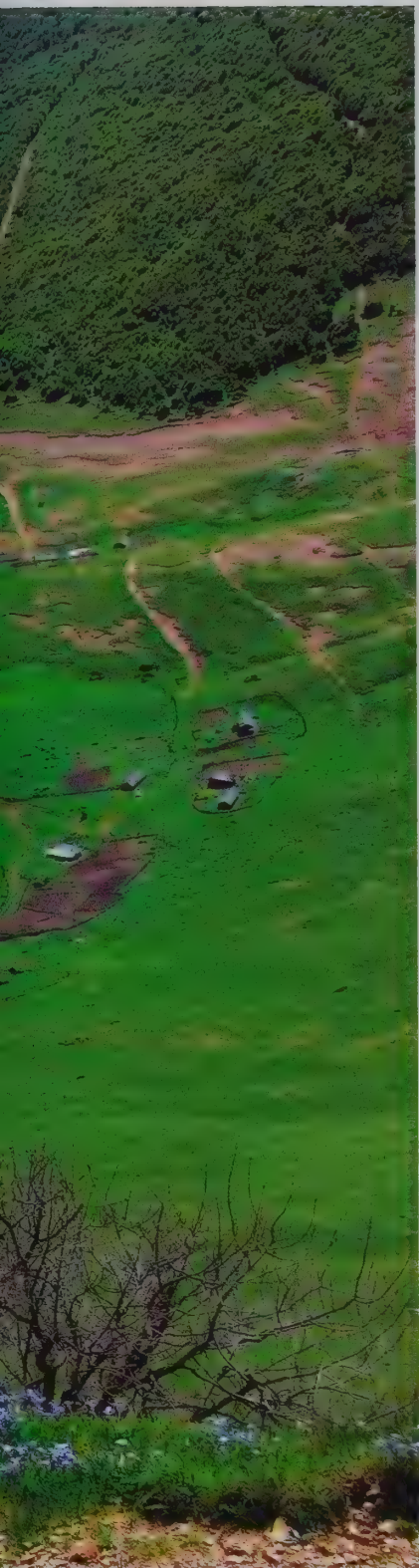


Summer residence: ییلاق 
Winter residence: قشلاق 



ییلاق عشایر تالش. خلخال به اسالم، کره، گیلان

Summer quarter of Talysh tribes. Khakhal to Asālem region, Kereh in Gilan



کوچ از ارتفاعات پایین منطقه اسالم به مناطق مرتفع در اواخر بهار. عشایر تالش، گیلان
The migration of Talysh tribes from low to highlands in late june. Talysh in Gilan

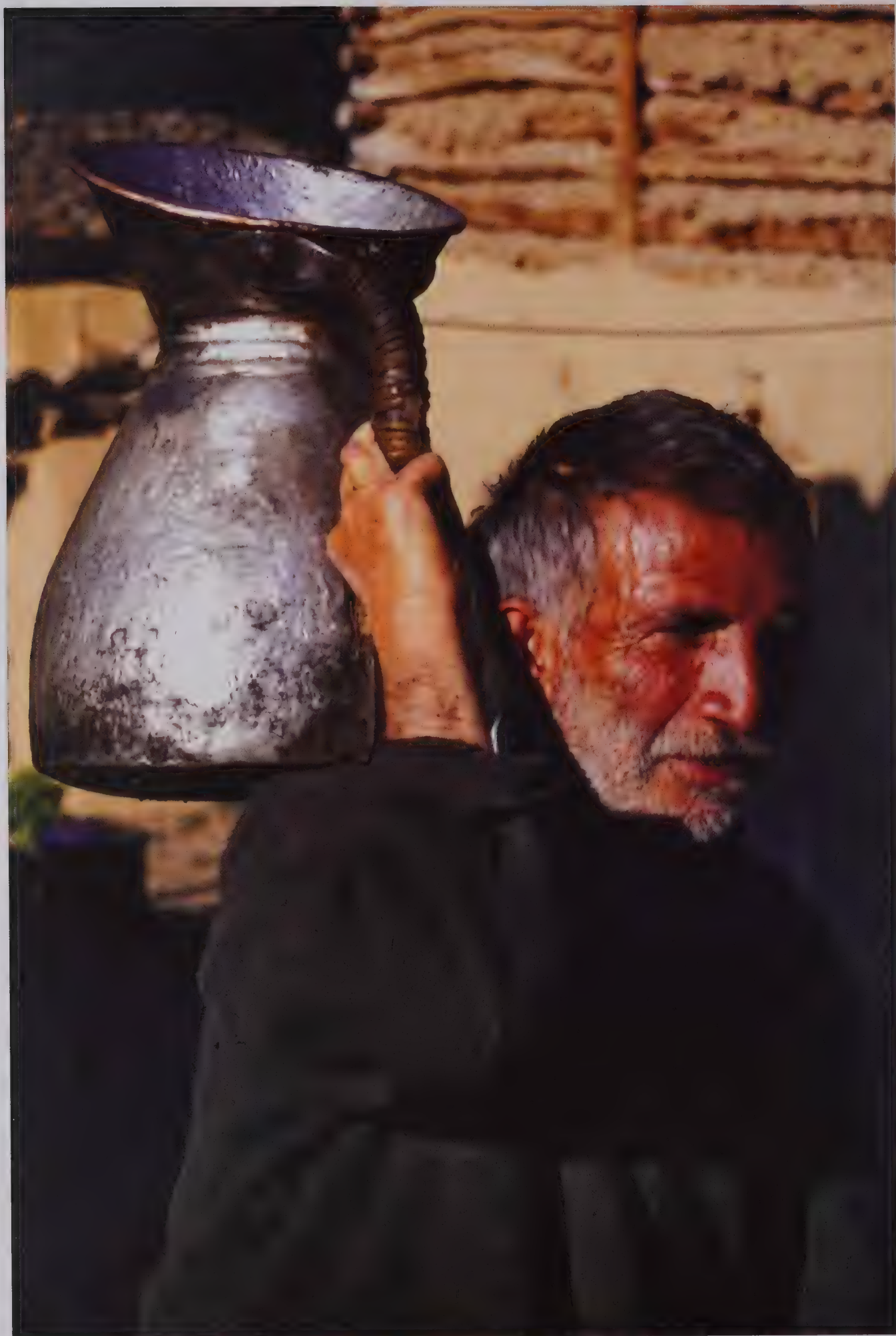
گاوسرا. عشایر تالش، بیلی، گیلان
The location of keeping the cattle. Talysh tribes, Bili in Gilan



خانه های تالشی. عشایر تالش، خره خونی، گیلان
The houses of Talysh tribes. Khare-Khooni in Gilan







مرد تالشی. منطقه تالش، گیلان

A man of Talysh tribes. Talysh region in Gilan



عشاير تالش. ناو، گيلان
Talysh tribes. Nāv in Gilan

دوشيدن گاوها در هر غروب. عشاير تالش، ناو، گيلان
Milking the cows every sunset By Talysh tribes. Nāv in Gilan





مردمان تالش. خره خونی، گیلان
The people of Talysh. Khare-khooni in Gilan

قالیشویی. عشایر تالش، ناو، گیلان
Washing carpets. Talysh tribes, Nāv in Gilan





گالش و جوراب پشمی. عشایر تالش، منطقه تالش، گیلان. ("گالش" نوعی کفش است که از پوست گاو تهیه می شود).
 The shoes and woolen socks of Talysh tribes. Talysh region in Gilan. (The shoes are made of skin's cow and are called "Galesh")





نگهداری گوسفندان در کومه (کلبه چوبی) در مواقع ضروری. عشایر تالش، گیلان
Keeping sheep in "Koomeh" (a wooden cottage) when necessary. Talysh tribes in Gilan



کودک تالشی. اطراف اسالم، گیلان
A child of Talysh tribes. Near Asālem in Gilan





عشاير تالش. خلخال به اسالم، گيلان
Talysh tribes. Khalkhāl to Asālem in Gilan



قوچ تالشی
A male sheep of Talysh

استراحت میان روزی. منطقه تالش، گیلان
Resting at noon. Talysh region in Gilan



عشایر بلوچستان

سرزمین عشایر بلوچ، استان سیستان و بلوچستان است که در جنوب شرقی ایران قرار دارد. پراکندگی عشایر بلوچ از زرآباد و چابهار در جنوبی ترین قسمت استان سیستان و بلوچستان تا اطراف شهر زاهدان در شمال استان می باشد.

بلوچ ها مردمانی مسلمان، متدین و اکثرا اهل تسنن بوده و عشایری غیور و سلحشور در برابر اشرار هستند. مهمترین طوایف عشایر بلوچ ریگی، نارویی، گرگیج، اسماعیل زائی، شهنازی، شهبلی بر، هاشم زائی، جمال زائی و... می باشند.

طبق آخرین سرشماری عشایر بلوچ ۱۹۰۰۰ خانوار با جمعیت ۱۰۲۲۰۰ نفر می باشد.

عشایر بلوچ از اصیل ترین و شاخص ترین عشایر ایران هستند که هنوز آداب و رسوم آنها رنگی از شیوه شیرین زندگی عشایری را دارد. عشایر بلوچ برای اعیاد اسلام احترام بسیاری قائل هستند و موسیقی بخش جدایی ناپذیر زندگی آنان است و آهنگ ها و ترانه های عشایر بلوچ نمودار کاملی از هنر و فرهنگ ملی این سرزمین است. عشایر بلوچ به زبان بلوچی تکلم کرده و دام اصلی آنها بز و شتر می باشد.

زن در جامعه عشایری بلوچ از شان و مقام ویژه برخوردار است و مرد دوم خانواده به شمار می رود. آنان علاوه وظایف مادری و همسرداری، کلیه امور خانه را به عهده دارند و به بافتن فرش، گلیم، سیاه چادر، سوزن دوزی و حصیربافی می پردازند.



Balooch Tribe

Balooch tribe reside in Sistān and Baloochestan Province which is situated in the south east of Iran.

Bloooh tribe is dispersed through from Zarābāb and Chābahār in the southern region of province to regions near Zahedan in the north of the province. The Balooch are religious and Muslim people and most of them are Sunnis. They are brave and warrior against bandits. The most important Balooch sub-tribes are Rigi, Nārouee, Gorgij, Esmāilzaei, ShahNāvāzi, Shahlibar, Hāshemzaei, Jamālzaei.

According to the latest census, Balooch tribe has a population of 102200 in 19000 households. Iranian Balooch tribes are the most noble and most significant nomads who have kept their nice traditions. Balooch nomads respect Muslim holidays and music is an inseparable part of their lives. Balooch tribe songs represent their national culture and art. They speak in Baloochi language and their main livestock are goats and camels.

Woman has a special dignity in Balooch tribe society and she is the second man of the family. In addition to do their duties at home, they weave carpet, kilim, straw mats and black tent as well as doing needlework.



Balooch Tribe

عشایر بلوچ



سیستان و بلوچستان
Sistān & Baloochestan

Summer residence بیلاق
Winter residence قشلاق



دختري از عشایر بلوچ، اطراف چابهار، سیستان و بلوچستان
A girl of Balooch tribes. Chābahār suburbs in Sistān and Baloochestan



تهیه علوفه تازه برای بزغاله ها توسط زنان عشایر بلوچ. اطراف چابهار، سیستان و بلوچستان
Providing fresh forage for yeanning by women of Balooch tribes. Chābahār suburbs in Sistān and Baloochestan





چادر عشایر بلوچ. اطراف چابهار، سیستان و بلوچستان

A tent of Balooch tribes. Chābahār suburbs in Sistān and Baloochestan.



مردی از عشایر بلوچ. نزدیک زراباد، سیستان و بلوچستان
A man of Balooch tribes. Near Zarābād in Sistān and Baloochestan





چرای دام. عشایر بلوچ، نزدیک زراباد، سیستان و بلوچستان
Grazing the herd of animals by Balooch tribes. Near Zarābād in Sistān and Baloochestan







چوپان بلوچ. عشایر بلوچ. نزدیک زرآباد، سیستان و بلوچستان
A shepherd of Balooch tribes. Near Zarābād in Sīstān and Baloochestan



گلدوزی دختران بلوچ کمکی به اقتصاد خانواده. عشایر بلوچ، اطراف چابهار، سیستان و بلوچستان
Balooch girls embroidering; an aid to earning money for the family .Balooch tribe, near Chābahār in Sistān and Baloochestan



شتستشوی لباس با اندکی آب. عشایر بلوچ، اطراف چابهار، سیستان و بلوچستان
Washing clothes with a little water. Balooch tribe, Chābahār suburbs in Sīstān and Baloochestan





دختر بچه بلوچ. اطراف زراباد، سیستان و بلوچستان
The Balooch girl. Near Zarābād in Sistān and Baloochestan



کودکان بلوچ، حوالی بندر تنگ، سیستان و بلوچستان
Children of Balooch tribes. Near Tang port in Sistan and Baloochestan





پرورش شتر، منبع اصلی اقتصاد عشایر بلوچ. اطراف چابهار، سیستان و بلوچستان
Camel breeding is the main source of Balooch tribes' income. Near Chābahār in Sīstān and Baloochestan





نکاهی کوتاه به زندگی عشایر ایران

Nomadic lifestyle at a glance





حوادث کوچ. جاده چهارم به شیراز، فارس. عبور دام های عشایر از جاده های اتومبیل رو یکی از مشکلات عمده عشایر است، که همواره با حوادثی تلخ روبرو است
 The migration incidents. Jahrom to Shiraz road, Fars. The livestock passing the roads is one of the major problems of tribes which sometimes causes accidents

مارگزیدگی گوسفندان در هنگام چرا. میشان، فارس
 The sheep bitten by a snake while grazing. Mishan in Fars





مصدومیت در اثر تصادف در مسیر کوچ. عشایر قشقایی، کازرون، فارس
Injury due to the accident on the migration route. Qashqai tribes, Kazeroon in Fars





دادن جو به بز نر گله برای تقویت بیشتر جهت جفت گیری بهتر. عشایر قشقایی، سپیدان، فارس
Feeding male goats with barley for better strengthening and copulating. Qashqai tribe, Sepidan in Fars



خسارت و نابودی مراتع که ناشی از شیوه زندگی عشایری است را می توان با مدیریت و آموزش صحیح از شدت آن کاست. دامنه شمالی کوه دماوند، مازندران
Destruction of pastures resulting from Nomads lifestyle which can be controlled through correct management and training.

The northern lower slopes of Mt. Damāvand, Māzandarān

حمل لوازم و اسباب با وانت یا کامیون که هزینه زیادی بر عشایر تحمیل می کند. عشایر قشقایی، اطراف مرودشت، فارس

Carrying the supplies by van or truck causes excess cost for Nomads. Qashqai tribes, near Marvdasht in Fars



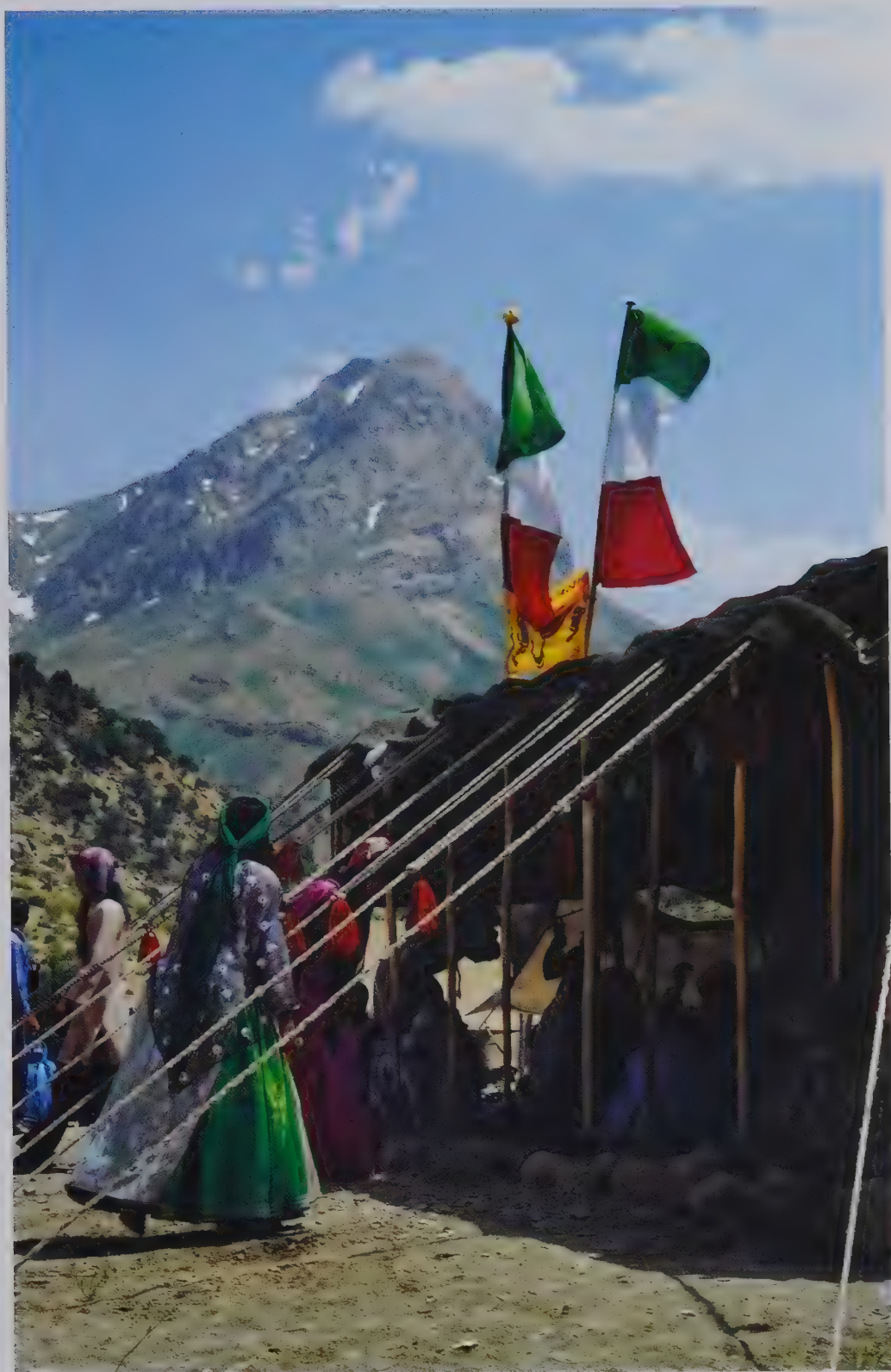
سقط جنین گوسفند. میلانون، فارس. یکی از مشکلات عمده عشایر سقط جنین گوسفندان باردار است که گاهی تا ۴۰ درصد تلفات در بر دارد.

Sheep abortion is Another problems of tribes which sometimes causes up to 40% casualties. Milatun in Fars.





چادر ییلاقی عشایر قشقایی. آسپاس، فارس
Summer tent of Qashqai tribes. Aspâs in Fars



برافراشتن پرچم نشانه علاقه و وفاداری همیشگی عشایر به ایران. عشایر قشقایی، گمبیل، اردکان، فارس
Raising the flag indicates the tribes' loyalty to Iran. Qashqai tribe, Gambil, Ardekan in Fars



پشم چینی. عشایر قشقایی، کمهر، سپیدان، فارس
Shearing. Qashqai tribe, Komehr, Sepidan in Fars

شب های ییلاق در کوهستان همواره سرد است
و عشایر با برافروختن آتش در پناه سنگ چین خود را گرم نگه می دارند. عشایر قشقایی، سپیدان، فارس
Making fires at cold nights in summer lands to become warm. Qashqai tribe, Sepidan in Fars





سیاه چادر عشایر قشقایی. کاکان، کهگیلویه و بویر احمد
A Black tent of Qashqai tribes. Kākān in kohgiluyeh and boyer-ahamad

منگوله جهت آراستن و بستن دو طناب چادر عشایری به یکدیگر. عشایر قشقایی، گرداب گاومیشی، کازرون، فارس
Tassel for decorating and also tying two ropes together. Qashqai tribes, Gerdāb-Gāvmishi, Kazeroon in Fars





تهیه کشک که از وظایف زنان عشایر است. عشایر قشقایی، دامنه کوه بل، اقلید، فارس
 Providing "Kashk" is one of the duties of Qashqai women. The lower slope of Mt. Bel, Eqlid in Fars

مشک زنی در سحرگاه با حرارت ملایم آتش جهت تهیه کره. عشایر قشقایی، سپیدان، فارس
 Making butter by shaking "goatskin" over the mild heat at dawn. Qashqai tribe, Sepidan in Fars





خشک کردن گیاهان کوهی. عشایر قشقایی، دامنه کوه رنج، اردکان، فارس
Drying mountain plants. Qashqai tribe, lower slopes of Mt. Ronj, Ardekan in Fars





جمع آوری گیاهان خوراکی. عشایر لک، دامنه الوند کوه، همدان
Collecting edible plants. Lak tribes, the lower slopes of Mt. Alvand in Hamedan

خشک کردن لباس. عشایر قشقایی، سرحد چهار دانگه، اقلید، فارس
Drying the clothes. Qashqai tribes, Sarhad-Chāhārdānge, Eqlid in Fars

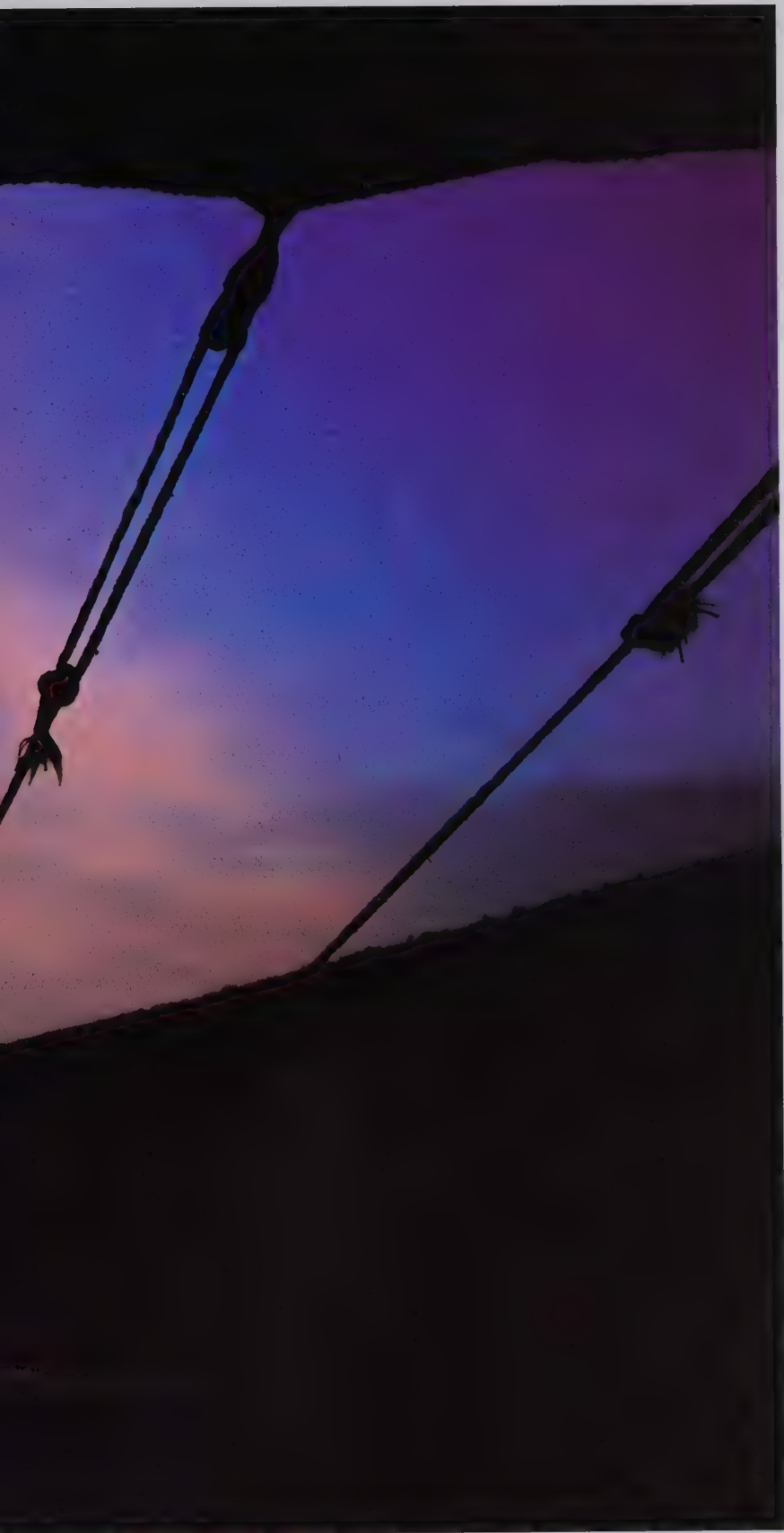




تهیه غذا از وظایف دیگر زنان عشایر. عشایر قشقایی، دامنه کوه رنج، اردکان، فارس
Cooking food is one of the duties of tribal women. Qashqai tribe, the lower slopes of Mt. Ronj, Ardekan in Fars







چادر عشایر قشقایی. حاجی آباد، اقلید، فارس
A tent of Qashqai tribes. Hajiābād, Eq̄lid in Fars



زنان عشایر حتی سالخوردگان باپشم ریزی به اقتصاد خانواده کمک می کنند. عشایر قشقایی، سب خلیج، سپیدان، فارس
The tribal women even the elderly help family economy by spinning. Qashqai tribe, Sib-Khalaj, Sepidan in Fars



جاجیم بافی. عشایر قشقایی، دشت هنگام، قیرو کارزین، فارس
 Jajim weaving. Qashqai tribe, Hengām plain, Qir and Karzin in Fars





مدرسه عشایری در ییلاق. گاوگدار، اقلید، فارس
Tribal school in summer lands. Qashqai tribe, Gavgodar, Eqlid in Fars

زن ترک قشقایی
A Turkish Qashqai woman





طرح های مختلف از قالی های قشقایی
Various designs of Qashqai rugs





زن ترک قشقایی
A Turkish Qashqai woman



مرد ترک قشقایی
A Turkish Qashqai man

زنی از عشایر ترک شاهسون
A woman from Turkish Shāhsavan tribes





مرد ترک قشقایی
A Turkish Qashqai man





زنی از عشایر کرد خراسان
A woman from Kurdish tribe of Khorāsān



زنی از عشایر لک همدان
A woman from Lak tribe of Hamedan



زن بختیاری
A woman of Bakhtiari tribes



دختر بچه قشقایی
A child of Qashqai tribes



مردبختیاری

A Bakhtiari man



دختر قشقایی
A Qashqai girl

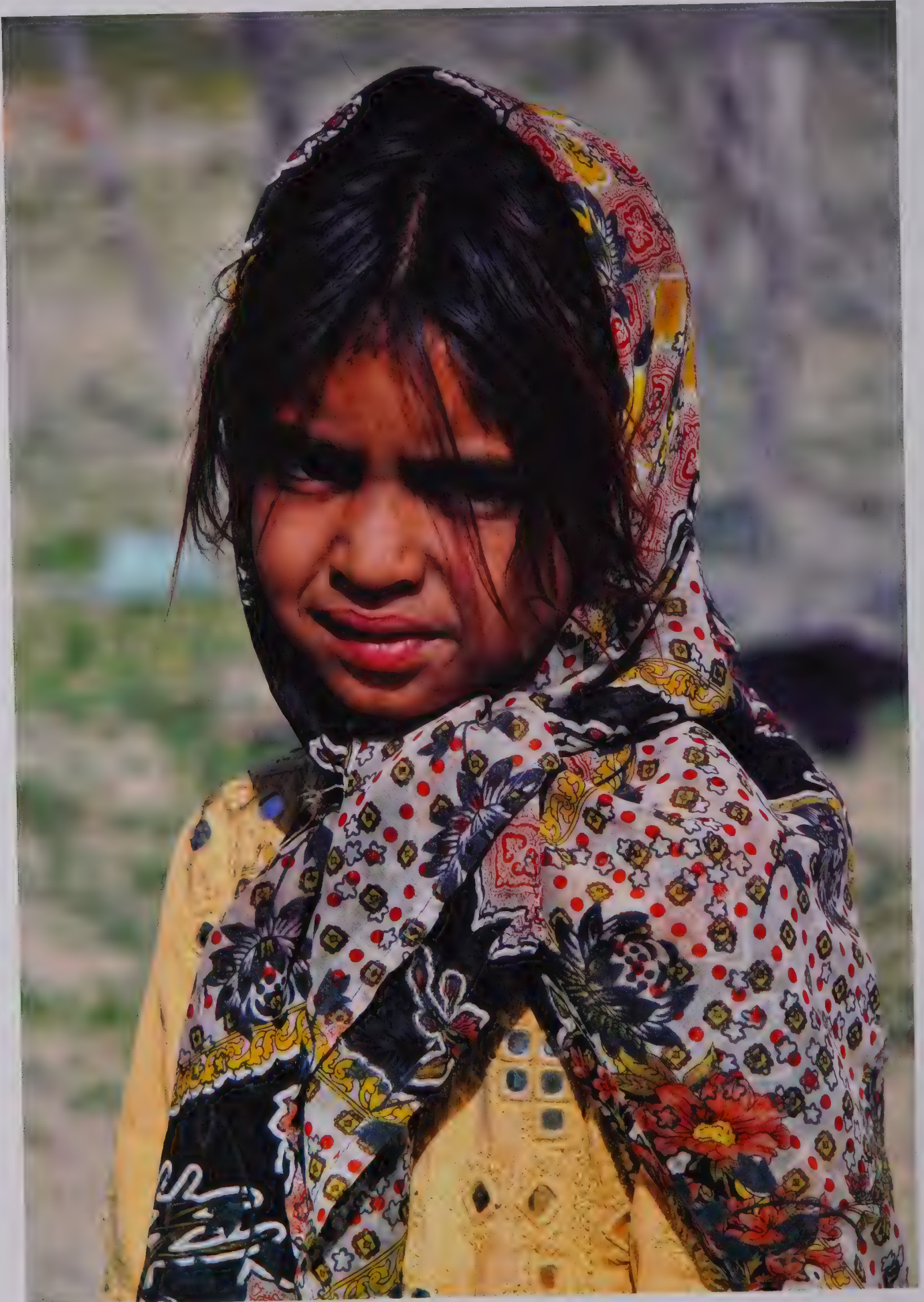


زنی از عشایر تالش
A woman from Talysh tribes



دختر بچه قشقایی
A Qashqai child





دختریچه ای از عشایر بلوچ
A child from Balooch tribes





لباس زنان عشایر قشقایی
Qashqai women's clothing



دستمال سر زن قشقایی
A Kerchief of Qashqai woman





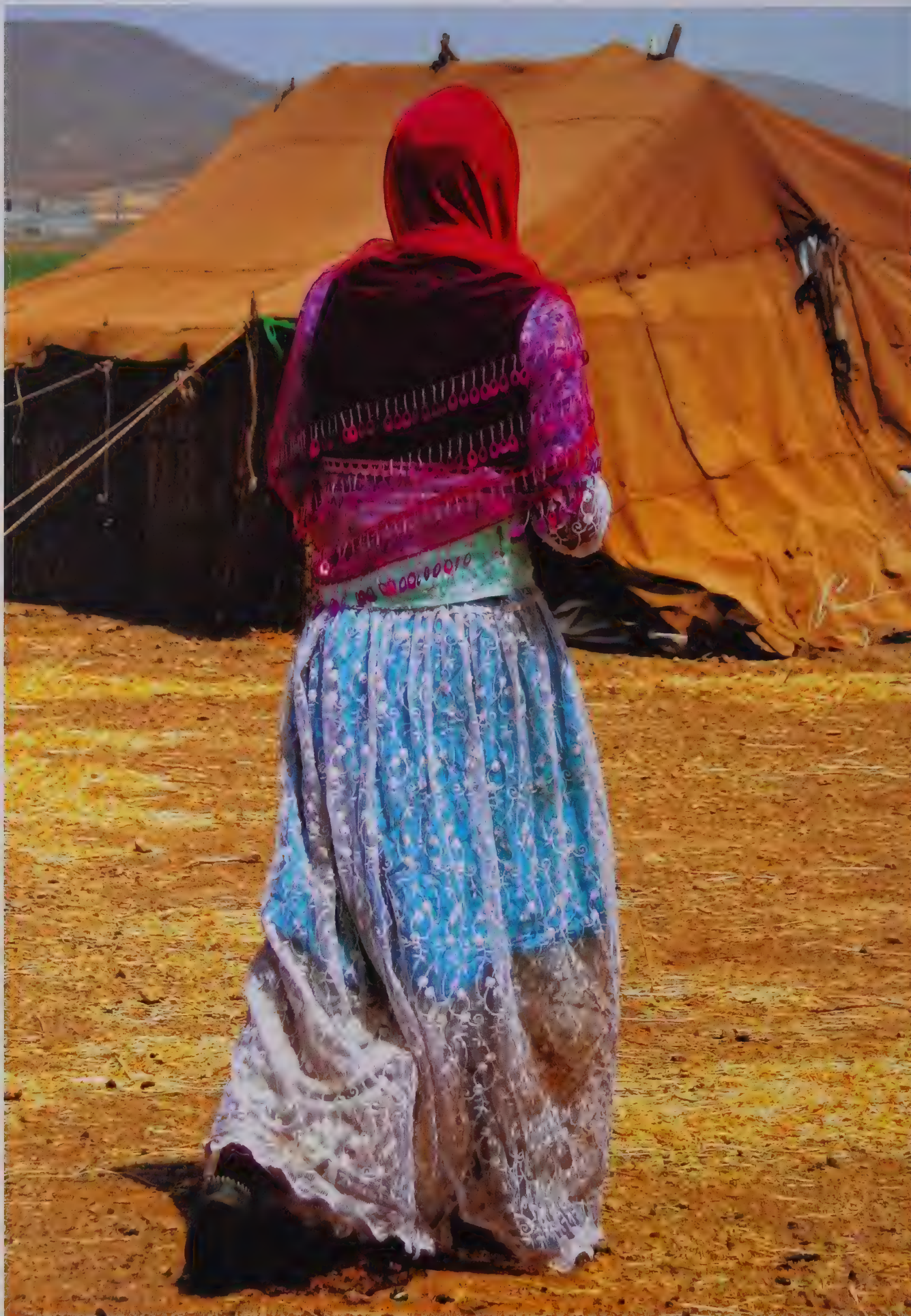
نوازنده قشقایی در مراسم عروسی. زین الدین، اقلید، فارس
Qashqai music player at a wedding ceremony. Zein-Aldin, Eqlid in Fars



استقبال از عروس و داماد با دود کردن اسفند و قربانی گوسفند. عشایر قشقایی، دشت سارون، سپیدان، فارس
Welcoming the Bride and Groom with burning seeds of wild rue and slaughtering a sheep
 Qashqai tribe, Saroon plain, Sepidan in Fars

شرکت در مراسم عروسی. عشایر قشقایی، گمبیل، اردکان، فارس
Participating at wedding ceremony. Qashqai tribe, Gambil, Ardekan in Fars





لباس زن ترکاشوند
A Turkashvand woman's clothing





رقص دستمال. عشایر قشقایی، سارون، سپیدان، فارس
Scarf dance. Qashqai tribe, Saroon, Sepidan in Fars



بردن هدیه برای عروس. عشایر بختیاری، قلعه خواجه، خوزستان
Taking gifts for the Bride. Bakhtiari tribe, Ghale-Khajeh in Khoozestan

رقص زنان عشایر قشقایی. گمبیل، اردکان، فارس
Qashqai women dancing. Gambil, Ardekan in Fars







رقص زنان قشقایی در مراسم عروسی. گاوگدار، اقلید، فارس
Dancing of Qashqai women at a wedding ceremony. Gavgodar, Eqlid in Fars







چادر مخصوص زنان در مراسم عروسی. عشایر قشقایی، کمهر، فارس
A special tent for women at the wedding ceremony. Qashqai tribe, Komehr in Fars

چادر مخصوص برای پذیرایی از مردان. عشایر قشقایی، سده، فارس
A special tent for men at the wedding. Qashqai tribe, Seder in Fars



رقص دستمال. عشایر قشقایی، نزدیک اردکان، فارس
Scarf dance. Qashqai tribes, near Ardekan in Fars



رقص دستمال. عشایر قشقایی، نزدیک اردکان، فارس
Scarf dance. Qashqai tribe, near Ardekan in Fars

رقص دستمال. عشایر قشقایی، نزدیک اردکان، فارس
Scarf dance. Qashqai tribe, near Ardekan in Fars





رقص دستمال. عشایر قشقایی، نزدیک اردکان، فارس
Scarf dance. Qashqai tribe, near Ardekan in Fars

رقص دستمال. عشایر قشقایی، آسپاس، عقیلید فارس
Scarf dance. Qashqai tribe, Āspās, Eqlid in Fars





رقص دستمال. عشایر قشقایی، دهنو، اقلید، فارس
Scarf dance. Qashqai tribes, Dehno, Eqlid in Fars







رقص دستمال.

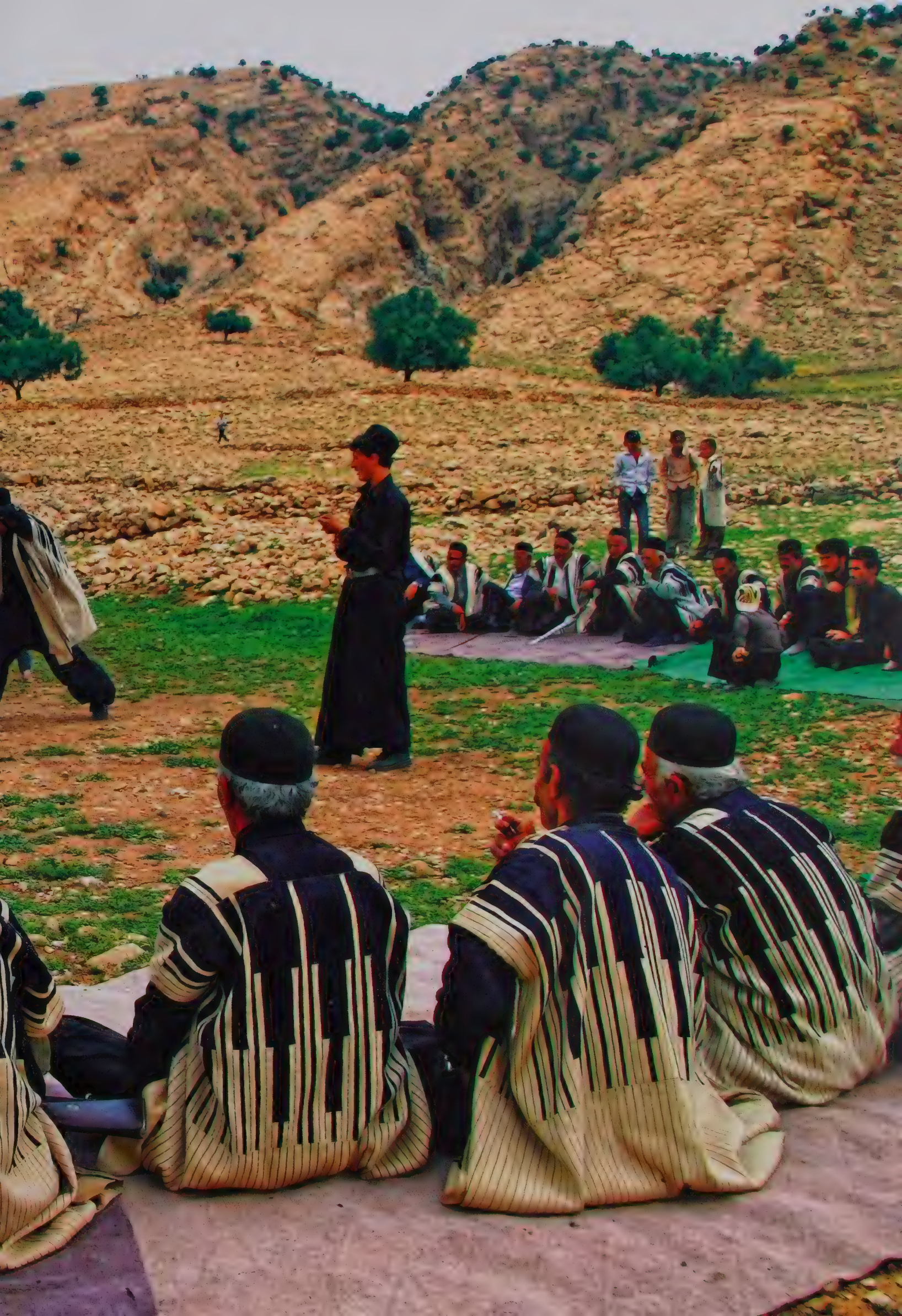
عشاير قشقايبی، رحمت آباد، اقلید، فارس

Scarf dance.

Qashqai tribe, Rahmatābād, Eq̄līd in Fars

چوب بازی. عشایر بختیاری، دلی، قلعه خواجه، خوزستان
Game of sticks. Bakhtiari tribe, Deli, Ghale-Khajeh in Khoozestan







رقص دستمال. عشایر بختیاری، اندیکا، خوزستان
Scarf dance of Bakhtiari woman. Andika in Khoozestan





اتراق میان راهی در کوچ پاییزه. عشایر قشقایی، درودزن، فارس
A halfway bivouac in autumn migration. Qashqai tribe, Doroodzan in Fars



کوچ پاییزه. عشایر لر، پادنا، اصفهان
The autumn migration. Lor tribes, Pādenā region in Isfahan





شستن ظروف عروسی بعد از صرف نهار. عشایر قشقایی، حاجی آباد، اقلید، فارس
Washing the dishes after having lunch at wedding. Qashqai tribe, Hajiābād, Eqlid in Fars



آماده کردن ناهار توسط خانواده داماد در مراسم عروسی. عشایر قشقایی، آسپاس، اقلید، فارس
 Preparing wedding lunch by groom's family. Qashqai tribes, Āspās, Eqld in Fars







پذیرایی از مهمانان عروسی. عشایر بختیاری، اندیکا، خوزستان
Entertaining the guests at a wedding ceremony.
Bakhtiari tribe, Andika in Khoozestan



آیا سال آینده دوباره کوچ خواهد کرد؟
Will he migrate again next year?



In The Name of God

Nomads of Iran

in the realm of forgetfulness

Abdollah Raeissi Ardekani

Photos: Abdollah Raeissi Ardekani

Layout and Cover Design: Reza Abedi

Persian text: Abdollah Raeissi Ardekani

English translation: Zeinab Namazi

Edit of photos: Saman Bagheri

Prepress: Farayand Gooya

Printing house: Abyaneh

First edition 2012

Distribution: Mirdashti

All right reserved

E-mail: info@sepidtour.com

Nomads of Iran

in the realm of forgetfulness

Abdollah Raeissi Ardekani

